

# مبارزه علیه امپریالیسم در گرو اتحاد بزرگ ملی است

در مبارزه بزرگ کنونی علیه آمریکا، هوشیاری خود را در برابر خطر شوروی

از دست ندهیم

در میهن ما امواج تظاهرات و مبارزات ضد امپریالیستی یکی پس از دیگری برمیخیزد. چهارم آبان ما شاهد بلرزه در آمدن شهرهای کنورمان از شعار توده های میلیونی خلق علیه امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی بودیم. طنین پر صلابت شعارهای:

انقلاب، انقلاب، هرگز وقفه ندارد.  
آمریکا، شوروی، فتح و ظفر ندارد  
آمریکا، شوروی مرگ به نیرنگتان

بقیه در صفحه ۳

کارگران صنایع فولاد اهواز

ما  
به کارشناسان  
خارجی  
احتیاج نداریم

در صفحه ۳

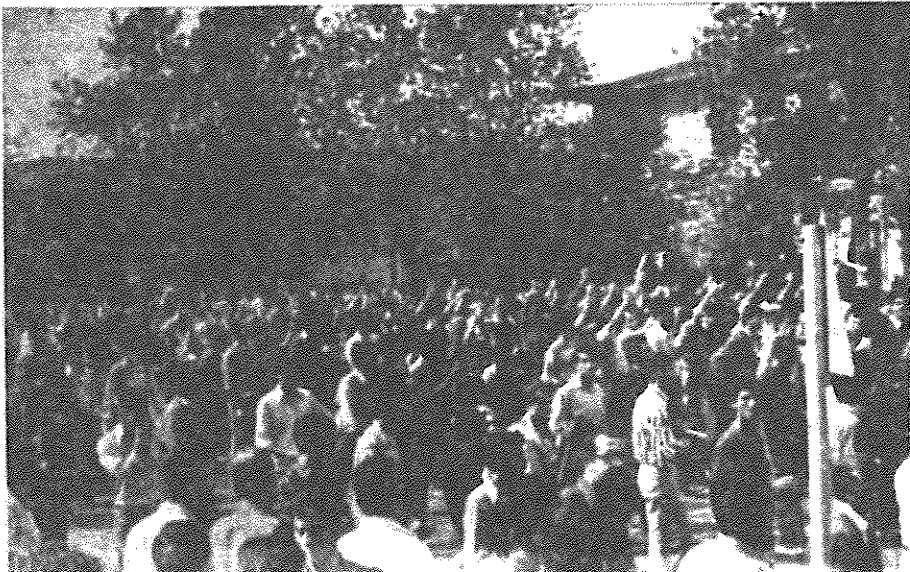
رو به جنبشهای

توده های داشته باشیم

یکی از خصوصیات اساسی و برجسته انقلاب ما این بود که توده های وسیع در آن شرکت داشته و با حرکت انقلابی خود، انقلاب را میسر ساختند، اصولاً هیچ تغییر بزرگی را بدون مردم نمی توان انجام داد. سیاستهای انقلابی هنگامی مؤثرند که به نیروی مادی یعنی به قدرت مردمی تبدیل گردند.

بقیه در صفحه ۴

## اولین کنگره جمعیت زنان ایران



آنگهی برای  
وابسته کردن ارتش  
ایران به روس!

\* طرح کیانوری:  
تبدیل ارتش آمریکائی  
به یک ارتش روسی

اخیرا دار و دسته کیانوری طرحی برای به اصطلاح "پاکسازی" و "نوسازی" نیروهای مسلح دولت جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد کرده است (مردم شماره ۷۹ سه شنبه ۸ آبان) که بر اساس آن، ارتش ایران وقتی که از حالت ارتش آمریکائی سابق خارج می شود، باید به صورت یک ارتش روسی در آید. علاوه بر آن طبق طرح کیانوری، این ارتش باید فاقد هر گونه کارائی و قابلیت در مقابل حمله دشمنان خارجی و به ویژه دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی باشد.

### پاکسازی ارتش

مجموعه اقداماتی که این دار و دسته برای پاکسازی ارتش پیشنهاد می کند صرفاً در جهت منافع امپریالیسم روسیه است و آنچه که برای آنها مطرح نیست تأمین استقلال نظامی ایران برای دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور در مقابل مداخله و تجاوز بیگانگان و به ویژه امپریالیسم روسیه است.

در بین چیزهایی که این دار و دسته به عنوان ملاک تشخیص باقی ماندن افراد در

از اقدام ضد امپریالیستی  
شورای انقلاب قویاً  
پشتیبانی می کنیم!

هیات دولت در جلسه ۱۲ آبان خود پیشنهاد دوازدهم وزارت خارجه را برای لغو قرار داد دو جانبه نظامی ۱۹۵۹ ایران و آمریکا و بند ۵ و ۶ قرار داد ۱۹۲۱ ایران و شوروی را به تصویب رسانید و برای تصویب نهائی بـه شورای انقلاب فرستاد و چند روز بعد به تصویب شورای انقلاب رسید.

قرار داد اسارتبار دو جانبه ایران و آمریکا که در سال ۱۹۵۹ به منظور حفظ و تحکیم رژیم منفور شاه و تثبیت و تضمین منافع غارتگرانه امپریالیسم آمریکا منعقد شد، به این قدرت استعماری اجازه می داد که در صورت به خطر بقیه در صفحه ۶

سال اول شانزدهم آبان ۱۳۵۸

۳۴

# خبر

تک شماره ۱۰ ریال ارگان مرکزی سازمان انقلابی

## اشتباهات

### کردستان را در بلوچستان تکرار نکنید

نیروی عظیم آنهاست. فقر عظیمی که در سراسر استان سیستان و بلوچستان و خصوصاً در بلوچستان موجود است، ضرورت انجام کارهای رفاهی و رفع نابسامانی های اقتصادی را هر چه بیشتر ایجاب می کند. با توجه به خصوصیات خلق بلوچ، دولت اگر از آنان برای مشارکت در کارها و تصمیم گیری ها استفاده نکند و بخواهد همچون گذشته در پشت درهای بسته و دور از محیط، تصمیمات را خود بگیرد، مطمئناً کاری از پیش نخواهد برد.

بقیه در صفحه ۲

ضد انقلاب در بلوچستان فعال است و فتنه می کند و متأسفانه دولت مشغول مرتکب شدن همان اشتباهاتی است که در کردستان انجام داد. گزارشی داریم از خبرنگار "رنجبر" در زاهدان که خلاصه آن را در زیر می خوانید.

شنبه ۵۸/۷/۲۸

در رابطه با خلق بلوچ، از بزرگترین اشتباهات دولت، شرکت ندادن آنها در مورد حل مسائل مربوط به خودشان و تکیه نکردن به

## کردستان: مذاکره با خلق کرد نه با مزدوران روسیه

در کردستان و نفوذ در ایران.

از این رو چنانچه مذاکرات هیات ویژه دولت با این دار و دسته وابسته به روس صحت داشته باشد، خواه ناخواه به این سیاست امپریالیستی خدمت کرده و به استقلال کشور ضربه خواهد زد و منافع خلق کرد را هم تأمین نخواهد نمود.

این سیاست روی دیگر سیاست نادرست ۸ ماهه دولت در عدم برآوردن خواسته های بحق خلق کرد، تکیه به بخشی برای مقابله با بخش دیگر مردم است که نقش یک مزدور

هفته ی پیش هیأت ویژه ی دولت برای مذاکره و اردمها با شد. ایسن مذاکرات که هم اکنون در جریان است در پرده ی ابهامی فرورفته و برای مردم سراسر کشور روشن نیست که مضمون سیاسی این مذاکرات چیست و چه کسانی مورد مذاکره قرار گرفته اند.

شواهدی در دست است که هیأت ویژه دولت عمدتاً "با دار و دسته ی وابسته به روس (بلوریان، حامی و...) که رهبری حزب دمکرات را در دست دارند، مشغول مذاکره است.

این مذاکرات بهیچ وجه به نفع

سه رهنبری حزب دمکرات در دست دارند ، مشغول مذاکره است .

این مذاکرات بهیچ وجه به نفع استقلال کشور و حل مسئله کردستان نیست و اگر بدین صورت ادامه یابد ، موجب تقویت نفوذ سیاسی امپریالیسم روسیه در میهن ما خواهد شد . چرا ؟

این عوامل روسیه بودند که علیه دولت مرکزی دست به قیام مسلحانه زدند و حال پس از این فشار و ضربیه بدولت مرکزی ، امپریالیستهای روسیه با دست دیگر ، مذاکره با اخلالگران مزدور خود را تجویز می کنند .

از یکطرف اخلال برای تضعیف دولت ، از طرف دیگر تشویق بمذاکره با اخلالگران برای گرفتن امتیاز بود خود : اینست خط مشی امپریالیستهای روسیه برای ایجاد یک پایگاه سیاسی

بر آوردن خواسته های بحق خلق کرد ، تکیه به بخشی برای مقابله با بخش دیگر مردم است که نقش مرکزی توده های خلق کرد را نمی نمود . سرکوب و سزای دوروی یک سکه اندک نقیشت توده های خلق در هر دو طرف آن ترسیم نشده است .

چه سیاست سرکوب بدون تمایز و عدم توجه به خواسته های خلق و چه سیاست سازش فعلی ، هیچکدام به نفع استقلال کشور و خلق کرد نیست ، زیرا به هدف مرکزی ادامه انقلاب در کردستان خدمت نمی کند . هدف مرکزی ، تحکیم وحدت خلقی ایران علیه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه ، بریدن دستهای آنان از منطقه و شکوفائی خلق کرد و وحدت آن با

بقیه در صفحه ۲

## جبهه قدرت طلبان : عقب مانده و انحرافی است

اخیرا "جریانها و جبهه های مخالف با حاکمین دولت و بطور عمده در مخالفت با اسلام مبارز به رهبری امام خمینی ، فعال تر شده اند . منظور ما جریانهای است غیر از آن "چپ ها" و "دمکرات" ها که از اول با جنبش اسلامی همراه نبودند .

این جریانهای مخالف طیف وسیعی را تشکیل میدهند . از دمکراتهای مذهبی و نیروهای مسلمان و بیات تحت پرچم اسلام گرفته ، تا نیروهای ملی گرا و دمکراتهای غیر مذهبی و حتی گروههای مایل به چپ را شامل میشود . و از طرفی از بوروکرات های کم و بیش وابسته به رژیم سابق و بیات غربی و طرفداران بختیار گرفته تا روشنفکران متمایل به روس در میان آنها هستند . اخیرا "نیز ، تعدادی از افراد واقعا "دمکرات و آزادیخواه ، مذهبی و غیره مذهبی ، اینجا و آنجا موضعی به نفع این طیف گرفتند و سخنرانیهایی کرده اند که عملا "همسو با منافع این طیف بوده است .

این "جبهه مخالف" با استفاده از ناراضیتهای مردم با تب خواسته های انجام نشده شان در زمینه های مختلف ضد امپریالیستی ، آزادیخواهی و رفاه اجتماعی ، بویژه در زمینه "دمکراسی و آزادیهای اجتماعی مورد علاقه روشنفکران و اقشار متوسط و مرفه شهری ، خود را "قهرمان" ضد انحصارطلبی مذهبی "نشان میدهند و برای جلب مردم و یارگیری ، این تصور را بوجود می آورند که گویا اگر اینها بر سر کار بیایند انقلابی تر عمل بقیه در صفحه ۶



اولین کنگره سراسری "جمعیت زنان ایران" در تاریخ ۱۰ و ۱۱ آبان در شهر تهران برگزار گردید . این کنگره پس از ۸ ماه فعالیت گسترده "جمعیت زنان ایران" با شرکت صدها نفر از اعضا ، طرفداران و ناظرین در محیط سرشار از روحیه ضد امپریالیستی و خدمت به مردم به بررسی فعالیتهای گذشته و برنامه ریزی برای سال آینده پرداخت . در گزارش سیاسی هیئت مسئولین ، به اهمیت شرکت زنان در ادامه انقلاب ضد امپریالیستی اشاره شد و به عواملی که پس از پیروزی انقلاب در امر بسیج و تشکل زنان آسیب رسانده است برخورد گردیده و بر هر چه گسترده تر کردن جبهه ضد امپریالیستی و لزوم تشکل هزاران زن در صفوف مبارزه ضد بقیه در صفحه ۲

## اعلامیه جنایت ضد انقلاب در بانه محکوم است

در روز عید قربان ، یک ستون از لشکر یکم که در حال گذار از شهر بانه بود ، از طرف دستجات ضد انقلابی کردستان ، ناچارانمردانه مورد حمله قرار گرفت و در نتیجه آن ۳۳ نظامی شهید ۷۰ مجروح و ۶۰ نفر مفقود گشتند .

ضد انقلاب وابسته به امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و متحدین باصطلاح چپ و دمکرات که از یام تا شام فریاد دروغین "آزادیخواهی" را سر میدهند در روز عید قربان دست به بزرگترین کشتار پس از انقلاب زدند و خون دههاتن از سربازان میهن پرست ایران را ریختند . ما این فاجعه را به بازماندگان شهدا ، به امام خمینی و دولت جمهوری اسلامی و نیروهای مسلح کشور تسلیت گفته و مطمئیم که مردم سراسر کشور اراده خود را برای مبارزه با ضد انقلاب استوارتر می سازند .

دوا بر قدرت امپریالیستی و عمال و متحدین آنها بر آنند که با آتش افروزی و تحریک دیگران هرج و مرج را در سراسر کشور ما دامن زنند . آنها تلاش دارند از بوجود آوردن شرایطی که خلقهای طبقات و اقشار خلقی و کلیه نیروهای سیاسی استقلال خواه سراسر کشور را یکدیگر متحد گردیده و انقلاب را به پیش سوق دهند ، جلو گیرند .

اما خلقهای میهن ما هشیارانه ولی بی پروا از قربانی و شهادت ، صفوف خود را فشرده تر کرده و پاسخ جنایات ضد انقلاب و متحدین باصطلاح چپ و دمکرات آنها را خواهند داد . آنها تلاش دارند همه را به جان هم بیندازند تا بتوانند بر سر سفره غارت کشور ما بشینند . ما ایما ن کامل داریم که همه مردم ایران وهمه نیروهای سیاسی استقلال خواه و آزادی طلب قریب ایمن توطئه ها را نخورده و انقلاب را پیروز مندانه به پیش سوق خواهند داد .

مرگ بر ضد انقلاب  
مرگ بر دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و عمال آنها  
زنده باد یا شهیدان خلق  
سازمان انقلابی  
سازمان اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر  
سازمان کمونرها  
۱۳ آبان ۱۳۵۸

امپریالیسم روسیه است . در بین چیزهایی که این دار و دسته به عنوان ملاک تشخیص باقی ماندن افراد در ارتش مطرح می کند ، وفا داری به استقلال و تمامیت ارضی کشور وجود ندارد و بنا بر این آگاهانه جا را برای باقی ماندن و یا رخنه طرفداران الحاق کشور به شوروی خالی میگذارد . این دار و دسته خواستار آن است که آنچه که بقیه در صفحه ۵

## گروه مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر ایران بیانیه

در طول مبارزات انقلابی ویر سکوهِ اخیر حلقه های ستم دیده ایران بر علیه استبداد و امپریالیسم چه قبل از قیام بیهم ماه و چه پس از آن ، این واقعیت درد ناک در مقابل کلیه مارکسیست-لنینیستهای ایران قرار داشت که علیرغم تاریخ ۷۰ ساله جنبش کمونیستی در ایران طبقه کارگر عمدتا " در این مبارزات شرکت مستقل نداشته و از داشتن حزب پیشاهنگ خود محروم می باشد . بهمین علت مسئله ایجاد حزب کمونیست بعنوان مبرم ترین وظیفه از سالها پیش در مقابل کلیه مارکسیستهای واقعی قرار گرفت .

برای ما نیز بعنوان بخش کوچکی از جنبش کمونیستی ایران این مسئله با حسد تمام وجود داشت زیرا از یک سو تاریخ مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای جهان و ایران بروشنی گواه این حقیقت بود که بدون یک حزب کمونیست واقعی که مبارزات انقلابی توده مردم را تا پیروزی نهائی رهبری کند ، انقلاب در نیمه راه متوقف مانده و دستاوردهای خونین آن از بین خواهد رفت و از سوی دیگر شاهد آن بودیم که در غیاب چنین حزبی از طرفی دارو دسته مزدور و خائن رهبری حزب توده از فرصت استفاده کرده و سعی میکنند بدرون جنبش کارگری رخنه نمایند و از طرف دیگر رویزونیسم ، ترانسکیسم و انواع و اقسام جریانات انحرافی "چپ" و راست و ... با سوء استفاده از فضای انقلابی و دموکراتیک حاکم بر ایران میروند که جنبش انقلابی حلقه های مارا از مسیر اصلی خود منحرف نمایند و این امر طلب میگرد که بجای برخوردی خون سردانه و منفعل ، با تمام نیرو در جهت وحدت اصولی مارکسیستهای واقعی برای ادامه امر انقلاب و مبارزه با جریانات ضد انقلابی و انحرافی قدمهای عملی برداریم .

بقیه در صفحه ۴

## مصاحبه با کمیته تدارک ایجاد حزب

(قسمت اول این مصاحبه در شماره گذشته "رنجبر" درج شد . اینک قسمت دوم و آخر آن از نظر شما میگردد .)

در اینجا یکی از رفقای سازمان اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر رشته سخن را بدست گرفت :

سازمان اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر در مبارزه با انحلال طلبی در درون جریان موسوم به "کادرها" متولد شد و در واقع نتیجهی قطعی شدن مبارزه میان دو خط مشی بود که در جریان "کادرها" وجود داشت .

سازمان اتحاد مبارزه در سال ۱۳۵۱ بعد از سه سال مبارزه درونی ، مبارزه میان دو خط مشی در جریان "کادرها" نتوانست با غلبه بر مشی انحلال طلبانه ی غالب بر این جریان و با طرد آن خط مشی ، مبارزه را برای زدودن آثار و میراث کار برآکنده

بقیه در صفحه ۲

### سیر نوشت عبرت انگیز

صورت تمایل دولت ایران در بسط و توسعه روابط دوستانه میان ایران و شوروی پیشقدم شوند" و بدین وسیله بند را آب دادند و در آخر کار معلوم شد که آن تعریف و تمجیدهای اولیه، برای دلالتی نفوذ ارباب روسی شان در ایران بوده است.

چقدر غم انگیز و در عین حال آموزنده است وقتی که شخصیتی مانند ژنرال جیب کم سابقه دهها سال مبارزه علیه استعمار فرانسه، ژاپن و سپس امپریالیسم آمریکا را دارد، بعزت انحراف سیاسی در مبارزه با امپریالیسم جهانی از اوج یک قهرمان ملی ویتنام فرود آمده و به صورت دلال جهانی امپریالیسم روسیه درمیآید. نه آقای جیب، انقلاب ما احتیاج به "دوستانی" نظیر شما ندارد انقلاب ما انقلابی مستقل و ضد دو ابر قدرت و شیفته‌ی استقلال

### کردستان: مذاکره

خلفهای دیگر ایران بوده است. تنها سیاستی که میتوان دید بدین همت خدمت کند تکیه بخلق کرد و بسط و برآوردن خواستهای بحق او در چهار چوب استقلال و تمامیت ارضی ایران است.

در اوضاع کنونی، تمام خلفهای ایران خواهان پایان جنگ در کردستان و مذاکره برای حل عادلانه مسئله اند و این مرغوبی است.

در این اوضاع ما تنها راه حل صحیح را تشکیل یک مجمع وسیع ملی خلق کرد، با شرکت کلیه نمایندگان سیاسی، مذهبی، اقتصاد و اجتماعی خلق کرد که خواهان استقلال ایرانند و هیچ ابر قدرتی وابسته نیستند میدانیم.

این مجمع باید علنی بوده و براساس استقلال و تمامیت ارضی ایران، رفع ستم از خلق کرد و تاءمین خواستهای بحق ملی او بدست خودش، حل مسئله ارضی دهقانان و رفا خلق و شکوفائی اقتصاد کردستان، یعنی براساس سه اصل خلق: استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی تشکیل گردد.

### اشتباهات کردستان

در گذشته هیچگاه کاری برای خلق بلوچ انجام نشده و آنچه که در او موجود است، بی اعتمادی و بی اطمینانی است. هر روز که می گذرد، چون مردم نه تنها نشانه‌ای از عمل دولت نمی بینند، بلکه کارهایی برخلاف منافع آنها هم انجام می شود، بی اعتمادی شان بیشتر می شود، دولت و خصوصاً مسئولین منطقه به جای آنکه در جهت برآوردن خواست های مردم گام بردارند، افراد بومی را در ادارات به شغل های دیگر خالصتاً منتقل میکنند.

خود است. ما تنها از شما به عنوان یک نمونه منفی می آموزیم، شمائی که در مبارزه صد امپریالیستی علیه آمریکا، به روسیه نینته کردید و از یک قهرمان ملی به صورت سازمانده‌ی تجاوز به کشور همسایه‌تان گامبوج و کشتار خلق آن در آمدید، می آموزیم که علیه دو ابر قدرت مبارزه کنیم، نسبت به آنها همه دارا حواسیم، نه به یکی تکیه کنیم، می آموزیم که سلطه جو نیابیم و در سیاست خارجی هم ما حراجوشی نکنیم، چه تمام این انحرافات موجب میشوند که انقلاب ما مانند شما منحرف شده در خدمت منافع غارتگرانه امپریالیسم روسیه در آید. نه آقای جیب، به خانه‌تان برگردید و ما را نصیحت نکنید و از دلالتی امپریالیسم روسیه هم دست بردارید و به عوض، مانند صدر هومی مین به استقلال عشق بورزید و از دو ابر قدرت مستقل شوید. آری ما از انقلاب شما بسیار آموخیم، اما حال نوبت شماست که از انقلاب سگوهمند و مستقل خلقهای ما علیه دو ابر قدرت بیاموزید.

در این مجمع با بدنامی بنده کسلان مردم کرد، از دهقانان، بازاریان، عساکر، فرهنگیان، نمایندگان مذهبی و گروههای سیاسی گسرد، کارگران، سرمایه داران ملی کرد و... شرکت کنند تا بدین وسیله این مجمع محل تجمع و نماینده وسیعتری بسن اقتصاد و طبقات خلق کرد بوده و براساس این خلق را نمایندگی کند.

ما معتقدیم که هیات ویژه دولت باید سریعاً "مذاکره با دارودسته روسی - بلوریان" یعنی راه حل مستقل زیر ادرین کیرد: اعلام کند که در چهار چوب استقلال ایران، خواستهای بحق ملی خلق کرد و حل مسئله ارضی دهقانان را می پذیرد و از تمام نمایندگان استقلال خواه خلق کرد برای تشکیل این مجمع وسیع ملی خلق کرد دعوت بعمل آورد.

دو شرط مهم در اینجا، عدم مذاکره و شرکت دارودسته‌های وابسته به بیگانه در این مجمع ملی و اعلام رسمی و علنی دولت مرکزی در شناختن حقوق ملی خلق کرد و حل مسئله ارضی دهقانان گداست.

خلق سلاح می شدند، نه خانها و فئودال ها و بر اثر اعتراضات مداوم مردم، فرمانده چندی پیش پاسداران ایران شهر، ۳ نفر از افراد مسلح محمد خان لاشاری را به جرم حمل اسلحه‌هایی که متعلق به ژاندارمری بوده دستگیر می کنند این ۳ نفر می گویند که اسلحه‌ها را خود ژاندارمری به ما داده است و قرار می شود که یک نفر برود و گواهی بیاورد. در این بین ۲ نفر دیگر را به زندان ایران شهر می برند.

محمد خان... کلاه... کلاه...

### مباحثه با کیه تته...

در این رهگذر اسب که موفق بسودن یک بیروند و بر اساس معیارهای سیاسی ایدئولوژیک اصولی، روابط نزدیک با سازمان انقلابی و سازمان کمونها بوجود آورده و این روابط را در یک بروسی کار فعالانه‌ی مشترک با این دو سازمان بحکم برسد، آنرا به مرحله وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و سپس سازمانی با این دو سازمان تکامل دهد و مشترکاً به اتفاق این دو سازمان وظیفه‌ی بزرگ ایجاد حزب طبقه کارگر و طبقه‌ی وحدت یابن با سایر نیروهای مارکسیستی - لنینیستی و کوش بحاطر جلب سایر نیروهای وفادار به مارکسیسم - لنینیسم اندیشه‌ی توده‌ی روز در زمینه‌ی گسترده در عین حال مستحکم از نظرایدئولوژیک - سیاسی به پیش برد.

سیاسی از رفتن سازمان کمونها در مورد تاریخچه فعالیت‌های این سازمان چنین گفت. سازمان کمونها یک مسیر نسبتاً طولانی و پرنه‌ی راطی کرده است. در اوایل سالهای دهه ۴۰ بود که ایورتونیسیم راست به دو شکل در جنبی مارکسیستی، لنینیستی ایران مسلط بود.

۱- ایورتونیسیم راست حزب توده  
۲- ایورتونیسیم راست توده‌های خارج حزب توده در سالهای ۳۹ تا ۴۲ با اوج گیری و شرکت توده‌های مردم در مبارزات قهرآ میرا امپریالیسم و شاه بود که عناصر و محافل مارکسیستی، سئوالاتی را طرح کردند. این امر باعث شد که بیشتر مبارزین جوان کم کم بسوی نفی ایورتونیسیم راست مسلط رفتند و در کنار آن و به موازات این مبارزات اصولی، ایورتونیسیم جب شکل گرفت که در واقع عکس العملی در مقابل ایورتونیسیم راست دیرپا بود.

این زمان مصادف است با روشنائی‌ای که از طریق بین‌المللی در این مسئله، توسط اندیشه مائوتسه‌دون پیش می‌آید و تحت تاثیر این روشنگری، آن ایورتونیسیم راست افشاء میشود با آن درگیری پیش می‌آید. سازمانها و گروههای کوچک، اعم از آنها که انتقاد از رهبری حزب توده میکردند، اما خودشان گرفتار ایورتونیسیم راست بودند و چه آنها تیکه جدا از حزب توده بودند، درگیر مبارزات ایدئولوژیک داخلی شدند و تلاشی گردیدند و خط مبارزه ضد رویزیونیسم خروشچی با تاکید بر مارکسیسم، لنینیسم، اندیشه‌ی توده‌ی دون روز بروز موفقیت های بیشتری بدست آورد.

در کنار مبارزه علیه رویزیونیسم خروشچی و به موازات آن، از همان اوان کار، خط کاستریستی و کانونهای شورشی و در بعضی از موارد نظرات التقاطی. بین اندیشه مائوتسه‌دون و چه گوارا، در بین گروهها موجود بود. دسته اول تاکید به مبارزه مسلحانه توده‌های و دسته دوم بر کانونهای شورشی اصرار داشتند. از اواخر سال های ۴۰ خط کانون های شورشی توسط جریکهای فدائی خلق تبدیل به شی جریک شهری شد و مارکسیست - لنینیست ها در انتقاد از این خط نقطه نظرات دیگری داشتند که مبنای آن بود از سازمان دادن مبارزه مسلحانه بر اساس مارکسیسم لنینیسم اندیشه مائوتسه‌دون.

سازمان... کلاه... کلاه...

حرکات و برنامه عملی مشترک دست میردند. در جو حاکم مارکسیستی آندوره، فشار امپریالیسم و حکومت پلیسی شاه، ایورتونیسیم راست که در دهه ۴۰ در بعضی مواقع در کنار ایورتونیسیم جب نیز قرار میگرفت بنا بر ضعف درونی خود ما، ما را ضربه بدیر میساخت.

این ضعف درونی، وجود باقیمانده برخی نظرات التناطی در زمینه‌ی کانونهای شورشی و شی جریکی و همچنین نظرات محفل کرائی، عواملی بودند که نمی گذاشتند بیشتر بنیادین در کارها حاصل شود. سازمان کمونها عناصری از ۲۱ گروه و محفل مارکسیستی که موضع انتقادی علیه شی حاکم برای گروهها و محفل های خود داشتند، بتدریج در یک بروسه چند ساله از سال ۱۳۴۲ به بعد به یکدیگر رسیدند و از سال ۱۳۵۶ که مبارزات توده‌ای اوج گرفت، یکدیگر نزدیک تر شدند و واحدهائی که به نجار مختلف دست زده بودند، بالاخره در سال ۵۷ تجدید سازمان داده و با بنیادین رابطه زنجیری (تک رابطی) شکل سازمان مشترکی شروع به فعالیت نمودند.

در اواخر سال ۵۷ با ارتباط دو جانبه‌ای که با سازمان انقلابی برقرار کردند، با تکیه بر جریان کمبود مبارزه متکامل مارکسیست لنینیست های ایران و تکامل کیفی و طرد محفل کرائی و گروهی کزی (سکنار پسم) جلسات وحدت دو جانبه‌ای را ترتیب دادیم در حدود ۲ ماه بعد همین بروسه با سازمان اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر از طرف دیگر انجام شد که نتیجه این تلاشها بحاطر وحدت، سرانجام منجر به ایجاد کمیته تدارک ایجاد حزب کمونیست ایران گردید.

اکنون ما بسوی یکی شدن سازمانها و گروهها و بالاخره ایجاد حزب کمونیست ایران پیش میرویم و مطمئنیم که کلیه عناصر، محافل، گروه ها و سازمانهای دیگر مارکسیستی لنینیستی که صادقانه در خدمت پرولتاریا و خلق قرار دارند، در این راه بر افتخار بطرف ما خواهند آمد.

س... خط مشی سیاسی حزبی که در تدارک ایجاد آن هستی چیست؟ و ایجاد حزب چه تاثیر و اهمیتی برای زندگی مردم کشور ما خواهد داشت؟  
خط مشی سیاسی حزبی که در تدارک آن هستیم عبارتست از آگاه کردن وسیع کارگران و دهقانان و توده های خلق بحاطر مبارزه علیه امپریالیسم (بویژه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی) و عمال آنها سرمایه داری وابسته و بقایای فئودالیسم (در زیر بنا و روتنا) و سرانجام رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک جامعه ما تحت هژمونی پرولتاریا - انقلابی که خصالت بورژوا - دمکراتیک دارد تنها در شرایط تاریخی جدید یعنی در شرایطی که بعزت وجود امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم، بورژوازی ملی کشورمان بکرات نشان داده که قادر نبوده است این مبارزه را تا سرحد پیروزی کامل به پیش ببرد.

بر اساس این دیدگاه است که حزب کمونیست ایران باید در ادامه ی انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی اخیر کشورمان به رهبری امام خمینی و بحاطر تعمیق آن مبارزه برای تحقق سه اصل خلق: استقلال، آزادی، عدالت اجتماع... کلاه... کلاه...

### انگیزه‌های انقلاب

جدال و تفرقه بین آنها بکرات جنبشهای انقلابی کشورمان را با شکست روبرو ساخته است. بنا بر این حزب باید شعار وحدت سه جریان انقلابی فوق را در صدر برنامه‌ی جبهه واحد خود قرار دهد.

امروز احزاب، سازمانها و گروههای مختلفی هستند که داعیه‌ی کمونیست بودن را دارند. "حزب رویزیونیست توده‌ی خود را حزب طراز نوین طبقه کارگر" میداند دارای آنچنان ماهیت قاسدی است که بحق امروز همه مردم ما دارودسته حاکم بر آن استون پنجم شوروی در ایران میدانند سازمان جریکهای فدائی خلق که در ابتدا با موضعی ضد رویزیونیستی با عرضه وجود گذاشت، پس از غلبه خط مشی حزبی بیش از بیش از موضع قلبی خود عدول کرده است. رهبران جدید این سازمان تا بدانجا بدانسان رویزیونیسم در غلطیده اند که سوسیال امپریالیسم شوروی را متحد با انقلاب ما ذکر میکنند و تمام کوشش خود را در جهت مبارزه با مارکسیست - لنینیستها گذاشته اند. در واقع آنها بعنوان ایورتونیسیمهای راستی هستند که در قالب "جب" عمل میکنند.

علاوه بر آنها از سازمانها و گروههای کرد آمده در "کنفرانس وحدت" عنوان نام برد. انسان گرچه از وحدت ایدئولوژیک - سیاسی برخوردار نیستند ولی عموماً "در تئوری مخالف رویزیونیسم و سوسیال - امپریالیسم هستند، اما در عمل نه مبارزه‌ای قاطع علیه آنها میکنند و نه در برخورد به انقلاب اخیر ایران و هیئت حاکم مواضع درستی دارند. آنها دولت کنونی را دولتی وابسته میدانند و وظیفه خود را مبارزه برای افشاء و برانداختن آن گذاشته اند. در نتیجه اینان از نظرایدئولوژیک میانه رو و پسا ستر بست، و از نظر خط مشی سیاسی "جب" و دنباله‌رو جریکها هستند.

از آنجا که واقعیات جامعه مایکی است، بنا بر این تحلیل‌های مختلفی که زیر نام مارکسیست لنینیست بودن این روزها می بینیم، اساساً ناشی از مواضع ایدئولوژیک متفاوت تحلیل گران میباشد. بنا بر این ایورتونیسیمهای راست و "جب" غاصبینی هستند که در زیر نقاب مارکسیست - لنینیست و کمونیست بودن میخواهند سیاستهای ضد پرولتری خود را برجتنش ضد امپریالیستی و دمکراتیک جامعه ما و همچنین بر جنبش کمونیستی ایران تحمیل کنند.

تا زمانی که حزب وجود نداشته باشد این

گروهها و سازمانها هنوز نمیتوانند خود را توجیه کنند. ولی اکنون که جنبش راستین مارکسیستی - لنینیستی ایران در جهت ایجاد حزب، قدم های نهائی خود را بر میدارد، مسلماً پس از ایجاد حزب در واقع ما روبرو خواهیم بود با حزب کمونیست راستین و کمونیست‌هایی که با در خدمت رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم هستند و یا بعزت سنگ انداختن در پیشتبرد مبارزات پرولتاریا در خدمت بورژوازی و خرده بورژوازی خواهند بود.

ایجاد حزب کمبود سالیان دراز جنبش کمونیستی را در داشتن خط مشی‌ای اصولی و راستین از بین خواهد برد و پرولتاریای ایران

به جای آنکه در جهت برآوردن خواست های مردم گام بردارند ، افراد بومی را در ادارات به شهرهای دیگر خارج از استان منتقل میکنند و مردم بومی را در کارها شرکت نمی دهند . هنوز هم آن روحیه برتری طلبی فارس نسبت به بلوچ در ادارات و خصوصاً مسئولین امور موجود است و حتی کوتاه بیانی هستند که برای حکومت کردن بیشتر و در قدرت بودن گروه یا مذهب خاصی به این جریان دامن می زنند . این از مسائل بسیار مهمی است که هر روز مردم منطقه خصوصاً خلق بلوچ را نسبت به دولت بی اعتمادتر می کند و اگر دولت هر چه زودتر به خود نیاید باید شاهد درگیری هایی در بلوچستان بوده که فقط در این میان خلق بلوچ است که ضربه خواهد خورد و استقلال کشور است که به خطر می افتد .

برای مثال دولت در منطقه بلوچستان بدون آنکه به میزان تنفر مردم روستاها و منطقه از خانها و فئودالها ببیند و عواقب کار را بداند ، به جای تکیه به خلق بلوچ ، برای حفظ امنیت منطقه خانها و فئودالها را مسلح میکند . آیا مسلح کردن فئودالها و خانها به حفظ امنیت منطقه کمک می کند و یا وسیله ای میشود تا آنها هم چنان به استثمار خلق بلوچ بپردازند و ظلم بیشتری به مردم منطقه بکنند ؟ و بالاخره آیا همین پایبندی نفوذ عمال امیرالیسم را تشکیل نمی دهند ؟

ما در زیر نمونه ای از اشتباه دولت را در رابطه با مسلح کردن خانها و فئودالها می آوریم . پس از انقلاب ، محمدخان میرلاشاری ، نماینده سابق مجلس شورای ملی که از خانهای منطقه لاشار ( ۱۶ فرسخی ایرانشهر ) است ، توسط فرمانده ژاندارمری ایرانشهر که قبلاً رئیس دایره نظام وظیفه ژاندارمری زاهدان بوده است ، برای " حفظ امنیت منطقه " مسلح می شود . چند روز مردم ایرانشهر با مراجعه به ژاندارمری برای حفظ امنیت و جان خود ، تقاضای اسلحه می کنند که به آنها داده نمی شود و اعتراضات مردم نسبت به مسلح کردن محمدخان میرلاشاری و خوانین دیگر و فرمانده ژاندارمری ایرانشهر بی نتیجه می ماند . پس از جریان مسلح کردن خانها و فئودالها نه تنها امنیت منطقه تأمین نمی شود ، بلکه نا امنی را هم تشدید می کند بطوری که راه بندانی جاده ها و سرعت ولخت کردن ماشینها و ربودن افراد شروع می شود . مثلاً در چند مورد ، افراد یک خان شخصی را به گروگان می گرفتند و به جای نا معلومی می بردند . بعد همان خان بین ژاندارمری و آدم ربایان واسطه می شد و آن فرد آزاد می شد و در نتیجه ژاندارمری روی آن خان بیشتر حساب می کرد و او را مسلح ترمی کرد . البته کمی بعد خلق سلاح عمومی در منطقه شروع شد که در این بین فقط مردم بودند که

در این بین ۲ نفر دیگر را به زندان ایرانشهر می برند . محمدخان میرلاشاری که از این امر به وحشت افتاده بود که ممکن است اگر این کار ادامه پیدا کند روزی خود او را هم بگیرند ، ناراحت می شود و به همراهی ۷۰ - ۶۰ نفر از اقوام خود به اسبکه که یکی از روستاهای لاشار است می رود و چون افرادی را به ایرانشهر برده بودند ، به پاسگاه اسبکه حمله می کند . پاسگاه بدون مقاومت تسلیم می شود . بعد به پاسگاه پهب می رود . در آنجا دو نفر از دلوران ژاندارمری نگهبانی می دادند که مقاومت میکنند . در این درگیری ۲ دلاور ژاندارمری با پاسگاه پهب یکی از خانها به نام اسلام خان و یکی از نفعداران محمدخان میرلاشاری کشته میشوند . محمدخان می خواست به پاسگاه روستای دیگری هم حمله کند که با مقاومت مردم روبرو میشود و با آنها در گیر نمی شود و بعد به همراهی افراد و خانواده هایشان به کوه می روند . ژاندارمری هم برای آنکه در ظاهر به مردم نشان دهد که دنبال جریان است ، چند تن از دلوران را برای دستگیری آنان می فرستد ولی دلاوران تا پای کوه بیشتر نمی روند و بر می گردند . در همین ضمن چند تن از خانهای منطقه به نام های کریم بخش سعیدی و بهمن خان مبارکی ( نمایندگان سابق مجلس شورا ) و چند تن دیگر که قبلاً با هم قرار گذاشته بودند که اگر برای هر یک از آنها درگیری با دولت پیش آمد ، همگی بخت یکدیگر را داشته باشند ، برای وساطت نزد جریری استاندار سیستان و بلوچستان می روند و جریری هم نزد امام خمینی می رود و فرمان عفو محمدخان میرلاشاری را به شرط آنکه اسلحه ها را تحویل دهد و چون بهای دو دلاور کشته شده را بپردازد ! ! ! ، می گیرد . ولی هنوز محمدخان در کوه است و عطی انجام نشده است .

با توجه به جریان فوق ، ما به دولت هشدار می دهیم که با بند کیری از استیضاهات گذشته خود ، هر چه زودتر به خلق سلاح نمودن خانها و فئودالهای منطقه انداخته و با بیشتر نزدیک شدن به خلق بلوچ و آن هم در عمل و با کار انجام دادن برای آنها ، با تکیه کردن به نیروی لایزال توده های زحمتکش بلوچ و رفع ستم ملی و طبقاتی و اقتصادی و دادن حق تعیین سرنوشت خود به مردم منطقه در مورد مسائل خود و مبارزه با طاعنه بر علیه خانها و فئودالهای استمگر که سالهای متمادی مسعول مکیدن خون زحمتکشان بلوچ و ستم دیده ما بوده اند ، جلوی استیضاهات بیشتر خود را بگیرد و با تأمین آزادی و رفاه اجتماعی خلق ، در راه حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران عزیز گام بر دارد .

زاهدان - شنبه ۵۸/۷/۲۸

سازمان دادن مبارزه مسلحانه بر اساس مارکسیسم لنینیسم اندیشه ما توسعه دهنده . سازمان کمونرها هم در حقیقت نطفه های مبارزه از مبارزه ضد رویونیسم خروشجفی ، مبارزه علیه ایورتونیسم راست حزب توده و ایورتونیسم راست غیر توده ای ، از سالهای ۴۲ به بعد شکل گرفت و بتدریج ایورتونیسم چپ ، گانونهای شورشی و جریک شهری را که باعث دوگانگی در یکسری از گروهها شده بود انتقاد و طرد کرد . خط اصولی مارکسیسم لنینیسم - اندیشه ما توسعه دهنده در برخورد و مبارزه با این سری انحرافات شکل گرفت و منسجم تر شد .

بعد از سال ۱۳۴۸ در تمام گروهها تکیه در ایران مبارزه می کردند ، این مبارزه ضد رویونیسم خروشجفی و ضد توده ای و ضد مئی چریکی عناصری را از درون گروهها و سازمانها بخود جلب میکرد که هم در مورد مسائل ایران و هم در مورد مسائل بین المللی به توافق میرسیدند و وحدت ایدئولوژیک سیاسی میافتند و به

### ● اولین کنگره ...

امیرالیستی برای ادامه انقلاب تا کنگره گردید . اولین کنگره سراسری " جمعیت زنان ایران " نموداری بود از وحدت سه نیروی اسلام مبارز ، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی زنان از سنین و اقتدار مختلف با تأکید بر امر وحدت بزرگ خلق و لزوم یافتن بر مبارزه علیه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی و خدمت به زنان زحمتکش گرد هم آمده بودند و این سمت راستین در کلیه شعارها ، سخنان و پیام ها متبلور بود .

در سراسر کنگره پیامهای مختلفی در هم بستگی با کنگره جمعیت و جنبش زنان قرائت گردید . از برجسته ترین این پیامها سخنان شکاری ، کارگر گروه بی رختانه تهران بود که با کلامی گرم و آتشین زنان حاضر در جلسه را به شکل در جمعیت زنان دعوت کرد و از گار گروه اسداده پزشکی جمعیت در دانی نمود . زمانی که این کارگر زحمتکش صحبت میکرد ، حاضرین در کنگره با دلت تحت تأثیر قرار گرفته جسی نمود که اشک در آن حلقه نریخته باشد . حرکت این رهبران دور و حال خاصی به جلسه بخشید و عزم شرکت کنندگان را در خدمت به زحمتکشان راستین نمود .

در طول کنگره بحث در مورد مسئله زن در ایران و چگونه بسج و شکل زنان در جامعه صورت گرفت و همچنین برنامه های بسیاری مختلفی توسط واحدهای جمعیت زنان ایران اجرا گردید .

در شب اول کنگره آقای ابوالحسن بنی صدر به دعوت هیئت مسئولین جمعیت زنان ایران در کنگره شرکت و در مورد مسئله زن و تبعیضات

رهبری امام خمینی و بخاطر تعمیق آن مبارزه برای تحقق سه اصل خلق : استقلال ، آزادی ، عدالت اجتماعی را به پیش کشد که در میان آنها مسأله تحقق استقلال همه جانبه کشور از امپریالیسم ، عمده است .

بدین منظور حزب باید سیاست جبهه ای واحد " اتحاد بزرگ ملی " را که اساس آنرا کارگران و دهقانان تشکیل میدهند و خرده بورژوازی و بورژوازی ملی استقلال طلب در آن بطور فعال شرکت میکنند ، هر چه محکمتر بدست بگیرد تا خلقهای ایران را در این مبارزه بزرگ تاریخی علیه امپریالیسم و سوسیالیسم یکپارچه متحد سازد . بدون چنین وحدتی ادامه انقلاب در شرایط کنونی با مشکلات فراوان و لاینحالی روبرو خواهد شد . مسلماً به گواهی تاریخ ه ساله های اخیر کشورمان مادام که سه جریان بزرگ تاریخی اسلام مبارز ، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی در مبارزه ضد امپریالیستی متحد بوده اند ، انقلاب به پیش رفته است و

کوناگون در جامعه و زن از دیدگاه اسلام سخنرانی نمود که با استقبال حاضرین در کنگره روبرو گردید .

همچنین با توجه به نصب لایحه دادگاههای مدنی خاص بخش مخصوصی در کنگره به این مسئله و بخصوص مسئله طلاق اختصاصی داده شده بود که در طی آن زنان مشکلات حقوقی و خانوادگی خود را طرح کردند و موضع و نقطه نظرهای جمعیت زنان ایران توضیح داده شد و یکی از زنان حقوقدان ( خانم کبکی پورفاضل ) توضیحاتی در این مورد داد . از جمله پیامهای دیگر کنگره میتوان از پیام خانواده فائزه سیدل بهیار شهید که در پاوه شهید گردید ، مادر شهید اسپهری ها ، مادر شهید مفتاحی ، مادر شهید نقی سلیمانی ، خانم منیره کرچی ، جبهه ملی ایران ، پیام مشترک سازمان انقلابی ، سازمان عرب طبقه کارگر نام برد . از جمله دیگر پیامهای برجسته کنگره پیام چند شورای دهقانی بود منجمله پیام شورای دهقانی مهارلو ( فارس ) و پیام شورای دهقانی زرخان ( مازندران ) که از فعالتهای جمعیت زنان در روستاهای خویش در دانی نموده و از کنگره پشتیبانی کردند .

در روز دوم کنگره آقای صدر حاج سیدجوادی وزیر دادگستری سا بر دعوت جمعیت زنان

یجاد حزب سوسیالیست ایران را در داشتن خط مشی اصولی و راستین از بین خواهد برد و پرولتاریای ایران را با تشکیلات منضبط و آگاه طبقاتی خودش مسلح خواهد ساخت .

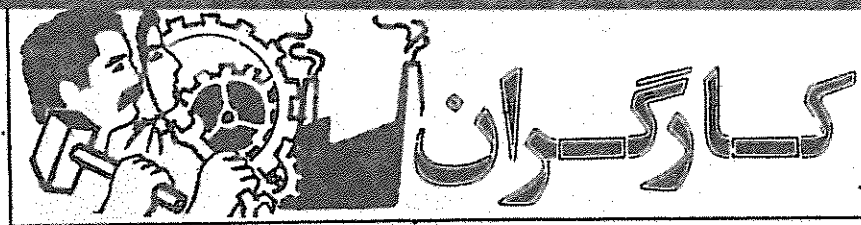
از آنجا که پرولتاریا منافع خصوصی ندارد و به اکثریت میاندیشد ، حزب پیشرو طبقه کارگر ایران بدون شک در متحد ساختن اکثریت مردم ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و کلیه دشمنان خارجی و داخلی تأثیر بسزائی خواهد گذاشت . زیرا امروز پرولتاریای ایران لشکر عظیم سازنده و پیشروی است که میبایست تأثیر خود را در رشد انقلاب کشورمان از طریق حزب سیاسی انقلابی بگذارد و کمبود سالهای طولانی ضعف در رهبری آگاه جنبش خلق را از میان بردارد . به همین علت است که ما نه تنها از بوجود آمدن آن احساس غرور و شادی میکنیم بلکه مطمئن هستیم که راه مبارزات خلق در آینده با بوجود آمدن حزب کمونیست بازم بیشتر روشن خواهد شد .

ایران در کنگره شرکت نمود و پس از پیام گرمی که حاوی پشتیبانی از فعالیتهای جمعیت زنان بود در مورد تشکیل دادگاههای مدنی خاص و مسئله طلاق سخنرانی کرده و در پایان برای شرکت در جلسات ویژه حقوق زنان اعلام آمادگی نمودند . سپس کنگره با روحیه ای پر شور برای تصویب مصوبات ، خط مشی و اساسنامه رفت و با شرکت صدها نفر از نمایندگان در کمیسیونهای مختلف به بحث و مسورت در مورد برنامه های سال آینده پرداخت و با روحیه ای پر شور با انتخابات شورای رهبری به کار خویش پایان داد .

اولین کنگره سراسری جمعیت زنان ایران نمایانگر خواست عمیق زنان ایران به ادامه انقلاب ، به تسکین و به خدمت به زحمتکشان و احقاق حقوق برابر زنان بود . بیوند سه جریان اسلام مبارز ، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی و روحیه وحدت و خدمت به خلق و به زنان زحمتکش ایران از نکات برجسته و مثبت کنگره بود . مسلماً این کنگره قدم مثبتی خواهد بود در سمت و جهت دادن به زنان میهن برای شرکت فعالتر در انقلاب ضد امپریالیستی و احقاق حقوق برابرشان در ایران .

ما موفقیت های بیشتری را برای جمعیت زنان ایران آرزو می کنیم .

**ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید .**  
بانک ملی ایران تهران - شعبه خیابان ایرانشهر شماره حساب ۴۵۳۸



# کارگران ماه به کارشناسان خارجی احتیاج نداریم

مجمع فولاد در ۱۵ کیلومتری اهواز قرار دارد.

کارگران این مجتمع در دوران جنبشهای نوده‌های سراسری نقش فعالی داشتند و در کلیه اعتصابات و تحصن‌ها هم‌دوش دیگر اقشار و طبقات شرکت جستند و تا پیروزی انقلاب حاضر نشدند به سر کار بازگردند.

پس از انقلاب، کارگران این مجتمع به سر کار بازگشتند و تلاش خود را برای برآه انداختن این صنعت بکار بردند، اما خواسته‌هایی هم داشتند و دارند که با مسئولین در میان گذاردند ولی متأسفانه جوابی داده نشد و کارگران دست به تحصن و اعتصابات گوناگون زدند.

این کارگران زحمتکش سعیان در این است که بتوانند با اتکا به نیروی لایزال خویش و بدون به اصطلاح کارشناسان خارجی کارها را انجام دهند. آنها با نیروی کمتر از آنچه به اصطلاح متخصصین خارجی نیاز داشتند به کار ادامه دادند و امور کارخانه را به خوبی پیش بردند.

نامه زیر را یکی از همین کارگران زحمتکش برای ما نوشته است. این نامه گویای روحیه انقلابی کارگران ایرانی است که می‌خواهند با اتکا به نیروی خود و نه با اتکا به نیروی خارجی صنایع کشور را بکارانند.

ما از مقامات دولتی خواستاریم که به مشکلات و خواسته‌های بحق کارگران این تجمع رسیدگی کنند.

## مبارزه علیه...

خون شهیدان ما می‌چکد از چنگتان لرزه بر اندام دوا بر قدرت امپریالیستی شرق و غرب انداخت.

بدنیال تظاهرات عظیم مردم ما بیاد شهدای سیزدهم آبانماه سال گذشته دانشگاه تهران و محکوم کردن تبعید امام خمینی در سال ۱۳۴۳ عده‌ای زدنشجویان، سفارت امپریالیسم آمریکا را با خواست استرداد محمدرضا پهلوی با شغال در آوردند. در خود آمریکا نیز دانشجویان مبارز در شهر نیویورک با خواست استرداد شاه مخلوع مجسمه آزادی را اشغال کردند تا ندای ملت ایران را به گوش جهانیان برسانند.

هم میهنان عزیز - مبارزین استقلال طلب و آزادیخواه ایران: انقلاب اسلامی ایران بر رهبری امام خمینی

# طبقه کارگر و امپریالیسم (۲)

ب - سرمایه مالی

در قسمت قبلی از خصوصیات امپریالیسم بوجود آمدن انحصارات را شرح دادیم. این انحصارات از متمرکز شدن تولید در واحدهای تولیدی و تجارتی بزرگ و متمرکز شدن سرمایه در دست یک عده از سرمایه‌دارهای بزرگ بوجود آمد. برای مثال رشته‌های تولیدی مثل نفت، صنایع فولاد، الکترونیک و غیره را در نظر بیاورید که در تمام دنیا به طور انحصاری در دست چند دسته از کمپانیهای بزرگ است.

همین تمرکز تولید همراه خود بانکها و موسسات اعتباری و مالی را رشد داد و شکل جدیدی از سرمایه را بوجود آورد به نام سرمایه مالی.

در زمان رقابت آزاد (قرن ۱۹ در اروپا) دو جور سرمایه وجود داشت. یکی سرمایه بانکی که مال بانک‌ها و بانکدارها بود. دیگری سرمایه صنعتی که مال کسانی بود که فعالیت صنعتی می‌کردند و سرمایه‌های خود را در تولیدات صنعتی به کار انداخته بودند.

بانکدارها به کسانی که در صنایع سرمایه‌گذاری می‌کردند وام می‌دادند. این کار یک حسن داشت و آن این بود که صاحبان صنایع باوایی که از بانکها می‌گرفتند می‌توانستند فعالیت خود را گسترش بدهند. ولی یک عیب هم داشت و آن این بود که وقتی سرمایه‌دارها نمی‌توانستند وام بانکی را پس بدهند مجبور بودند آنها را با خود شریک کنند. بعضی وقتها هم خود بانکها در بعضی رشته‌های صنعتی سرمایه‌گذاری می‌کردند.

زمانی رسید که سرمایه بانکی و سرمایه صنعتی که تا پیش از این از هم جدا بودند آن چنان به هم مربوط و متصل شدند که در هم ادغام گشته و یکی شدند. از این پس چیزی بوجود آمد که به آن سرمایه مالی می‌گویند. بوجود آمدن سرمایه مالی هم‌زمان با ایجاد انحصارات بود.

امپریالیستها با در دست داشتن انحصارات و سرمایه غارت و جپاول کشورهای دیگر را دست دادند.

پ - صدور سرمایه و غارت امپریالیستها

لشکر کشی و غارت قبلا هم وجود داشته ولی آنچه که در این اواخر صورت می‌گیرد با آنچه که در قدیم‌ها انجام می‌شد فرق میکند. یک موقع جنگ و لشکر کشی برای بدست آوردن برده بود. مثلا استعمارگران پرتغالی در ۳ الی ۴ قرن پیش می‌رفتند آفریقا و از آنجا سیاه‌پوستان آفریقائی را با زور سوار کشتی میکردند

بعد آنها را می‌بردند امریکای شمالی و در آنجا آنها را با قیمت کلان به مالکین بزرگ امریکائی می‌فروختند.

در دوره‌ای که ما از آن صحبت می‌کنیم وضع با قبل فرق می‌کرد. در دوره بعد که به آن سرمایه داری می‌گویند کشورهای قویتر برای بدست آوردن مواد خام به این کار دست می‌زدند. آنها همین طور قصدشان این بود که بازاری برای فروش کالاهای ساخته شده خود دست و پا کنند و اجناس خود را در آنجا بفروشند.

وقتی سرمایه مالی و انحصارات در کشورهای اروپائی بوجود آمد کشورهای قویتر برای اینکه به جاهائی که مواد خام خود را از آنجا بدست می‌آوردند نزدیکتر بشوند و در ضمن نگذارند که این کشورها هم مثل اروپا صنعتی بشوند و با آنها رقابت کنند سرمایه‌های خود را توی این کشورها ریختند. آنها با این کار موفق شدند که هم مواد خام این کشورها را غارت بکنند و هم از نیروی کاری که در آنجا وجود داشت (کارگران و دهقانان) به طور ارزان استفاده بکنند.

از این پس کشورهای ضعیف بین انحصارات امپریالیستی تقسیم شد و بعد از آن زمانی رسید که کشورهای امپریالیستی دنیا را بین خودشان تقسیم کردند. مثلا در زمان جنگ جهانی اول (۱۲۹۷ - ۱۲۹۹) دنیا بین چند کشور امپریالیستی (انگلیس، فرانسه، آلمان...) تقسیم شده بود.

در این دوره که به آن عصر امپریالیسم می‌گویند سرمایه دارهای کشورهای امپریالیستی هم کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان کشور خود را استثمار می‌کنند و هم کارگران و دهقانان و زحمتکشان کشورهای دیگر را. ولی شدت استثمار در کشورهای دیگر بیشتر است.

به همین علت است که ما می‌گوئیم امپریالیسم دشمن اصلی طبقه کارگر است و به همین علت است که کارگران کشورهای فقیر برای نجات خود و بقیه مردم کشورشان باید با امپریالیسم مبارزه کنند و آنرا شکست بدهند.

وقتی امپریالیسم در کشورهای فقیرتر شکست بخورد و دستش از ثروتهای طبیعی این کشورها قطع بشود، کارگران کشورهای امپریالیستی هم قادر خواهند شد که دولت‌های امپریالیستی را در کشور خودشان از بین ببرند و دنیا از وجود امپریالیسم و امپریالیستها پاک بشود.

## شروع فصل سرما و وضع آلونک نشینان

در گیر تهیه آب خوراکی و شستشوی باشد و بچه‌ها شرکت وسیعی در تهیه آب دارند.

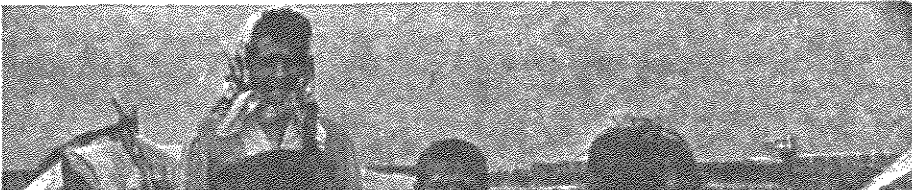
زن و مرد پیری با ۳ نوه خود در یک چادر زندگی می‌کنند. پیر زن تقریباً از چشم نابیناست و در حالی که کارت سفید رنگ بیمارستانی را در دست دارد، می‌گوید:

برای معالجه چشمانش بارها به بیمارستان دولتی مراجعه کرده و از او صد تومان می‌خواهند و او ندارد که بپردازد.

تاریخ اعتبار کارت حدوداً ۲ سال قبل است و پیر زن هنوز باید تهیه صد تومان کارتش را به همه نشان می‌دهد.

حاشیه نشینان شهری بخشی از مردم شهر نشین هستند، که به جای سکونت در داخل شهر و در خانه‌های آجری، در زاغه‌ها، کبرها و حفره‌های زیر زمینی و محروم از ابتدائی‌ترین خدمات رفاهی و انسانی به سر می‌برند.

حاشیه نشینان تهران را اکثر آنها جران شهرهای دیگر استان مرکزی، مازندران، خراسان آذربایجان، زنجان، کرمانشاه تشکیل میدهند. اکثر اینها دهقانان آوارهای هستند که در جستجوی کار راهی شهرها شده‌اند و به علت فقر و عدم امکانات شهر از نظر جذب آنها در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند.



**کارگران کاغذسازی**  
هفت تپه:

**پیشبرد امر**  
**پاکسازی،**  
**مهمترین**  
**مسئله است**

\* به وضع خانواده نادعلی قاسمی رسیدگی کنید

بدنیال مرگ نابینگام نادعلی قاسمی، یکی از کارکنان محبوب کارخانه کاغذ سازی هفت تپه، خبرنگار رنجبر مصاحبهای با چند تن از اعضای شورای کارکنان این کارخانه ترتیب داد که

هم میهنان عزیز - مبارزین استقلال طلب و آزادیخواه ایران :

انقلاب اسلامی ایران برهبری امام خمینی ضربه سختی بر امپریالیسم آمریکا وارد ساخت مردم مامصم هستند که تا قطع کامل نفوذ این ابرقدرت جهانخوار لحظه‌ای از پانشینند ولی مبارزات استقلال طلبانه ما سخت تر و بغرنجتر از آنست که فقط با یک ابرقدرت امپریالیستی روبرو باشد .

هم اکنون ابرقدرت شوروی تمام عوامل و اهرمهای خود را بکار انداخته است تا از شعار مبارزه با امپریالیسم آمریکا سوء استفاده نموده و با طرح شعار فقط مبارزه با امپریالیسم آمریکا شرایط نفوذ هرچه مساعدتری را برای خود در ایران فراهم سازد . این ابرقدرت تازه بدوران رسیده و مهاجم از یکسو عوامل خود را در ایران و بخصوص در کردستان بسیج کرد تا بجمه‌پوری اسلامی ایران ضربه زده و آنرا زیر نفوذ خود درآورد ولی وقتی با عکس العمل قاطع رهبری انقلاب و مردم مبارز کشورمان روبرو شد عمل خود را برای باصطلاح جدا کرده با دولت بعنوان " نمایندگان خلق کرد " بجلو انداخت و این درحالی است که مردم ماهرروز شهدای زیادی را در این کارزار ناخواسته بجا میگذارند .

امام خمینی اخیراً " تاکید کرد که " رابطه ما با آمریکا و شوروی رابطه بره و گرگ است . " اگر غفلت کنیم گرگ روسی ما را زخمی کرده و میبرد . افغانستان پیش چشم ما است باید مبارزات عظیم ضد امپریالیستی خود را با استواری علیه دوا بر قدرت ادامه دهیم . در این مبارزه نباید بدام تبلیغاتی کسانی بیفتیم که فقط مبارزه علیه یک ابرقدرت را جهت منحرف کردن مبارزات مردم و سوق دادن به دام ابرقدرت دیگر پیش میکشند همانطور که بارها هشدار داده‌ایم پیروزی مردم ما در این مبارزه منوط به وحدت و یکپارچگی صفوف آنست .

اینروزها ما شاهد تشدید مبارزات درون خلقی هستیم . تاریخ مبارزات صدسال اخیر کشورمان نشان میدهد که امپریالیستها و استثمارگران از سیاست ( تفرقه بینداز و حکومت کن ) بکرات استفاده کرده و نگذاشته‌اند انقلاب ضد امپریالیستی مردم ما به پیروزی نهائی برسد . عدم حل صحیح تضادهای درون خلق و برعکس بزرگ کردن اختلافات و خارج نمودن آنها از بعد واقعی شان کار را بالاجبار به مخاصمات بیش از پیش نیروهای خلقی بایکدیگر کشانده و زمینه را برای مداخلات بیگانگان امپریالیست فراهم میسازد .

ن باید بگذاریم که منافع گروهی ، عاملی برای ایجاد گسستگی و تفرقه در صفوف خلق گردد . باید برجم اتحاد بزرگ ملی را هرچه برافراشته‌تر

سرا انجام پیروز خواهد شد و استقلال خود را از دو ابرقدرت تحکیم خواهد کرد .

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی  
مرگ بر نفاق افکنان  
زنده باد اتحاد بزرگ ملی در مبارزه برای استقلال همه جانبه کشور .  
نه آمریکا ، نه روسیه ، زنده باد ایرانی مستقل و منکی بخود

سازمان انقلابی  
سازمان اتحاد مبارزه در راه  
ایجاد حزب طبقه کارگر  
سازمان کمونرها  
چهاردهم آبان ۱۳۵۸

### ● روزه جنبشهای ...

بورژوازی اداری و نظامی و نهادهای غیر مردمی دیگر را که سد پیشرفت مبارزات مطالباتی توده ها است ، مورد انتقاد قرار داده ، نوسازی آنها را در جریان مبارزات توده‌ای و با شرکت خود توده‌ها میسر سازیم .

از سوی دیگر ضروریست که در جریان مبارزات توده‌ای ، مشی‌های ما چرا جویانه‌ی جب نماها را مورد انتقاد قرار داده و آگاهی توده‌ها را از این مشی انحرافی قدم بقدم بالا ببریم . نشان دهیم چگونه این مشی‌ها با امپریالیسم خدمت نموده ، تضاد درون خلق را حاد کرده و به تضاد آشتی ناپذیر تبدیل می‌نماید .

تجربه نشان داده است که چپ نماها توانسته‌اند با به انحراف کشاندن مبارزات توده‌ای دامنه‌ی هرج و مرج را در کشور ، گسترش دهند . تنها جاهاتی که مبارزین واقعی در برابر آنها ایستاده‌اند ، آنها را افشاء کرده‌اند و توده‌ها را آگاه نموده‌اند . مبارزات توده‌ای توانسته مسیر راستین خود را بیپیماید ، یعنی از یکسو مطالبات خود را قدم بقدم بدست آورد و از سوی دیگر در مسیر اساسی انقلاب در چارچوب اتحاد بزرگ ملی ، بخاطر مبارزه علیه امپریالیسم و عمالشان به جلو رود و پیروزی بدست آورد .

برماست که به پشتیبانی از مبارزات توده‌ای در کلیه سطوح برخیزیم و طبق مشی عمومی سیاسی خود ، توده‌ها را در جریان مبارزاتشان آگاهی بخشیده و متشکل نمائیم . برماست حمایت سیاسی از توده‌ها را با حمایت مادی و دفاع از جنبش‌های مطالباتی آنها بطور فشرده پیوند دهیم .



وجود آمدن واحدهای حاشیه نشینی در یک محل ارتباط با آغاز فعالیت‌های ساختمانی مشخص ( شهرک و مجتمع سازی ) در حوالی کارخانه‌ها دارد . و طبیعی است تا زمانی که به نیروی کار ارزان این افراد احتیاج است وجود آنها ضروری و قابل تحمل است و پس از اتمام کار و نیاز نداشتن به نیروی حاشیه نشینان آنان را به مناطق دیگر کوچ می‌دهند . واحد های اصلی حاشیه نشین تهران شمیران نو ، تهران پارس ، آذربایجان ، دولت آباد ، حلیبی آباد ، یافت آباد و همچنین شامل کوره پز خانه‌های محمود آباد ، خاتون آباد و غیره می‌باشد .

مردم این مناطق از حداقل شرایط زندگی بی بهره هستند . نداشتن آب و برق در حالی که سیم های بطور برق از بالای چادر ها و آلونکهای آنها می‌گذرند ، آسیب پذیر بودن سر پناه آنها در مقابل بارندگی ، در دسترس نبودن و یا دور بودن کرما به ، تنگی بنا ، بدی وضع ، کثیف بودن معابر ، انباشته شدن زباله و جاری شدن باضلاب در کوچه‌ها و کودالیا ، وجود حشرات و در کل غیر بهداشتی بودن محیط ، کمبود مدرسه ، فروشگاه ، وسائل حمل و نقل ، وسائل خدمات شهری ، نبودن حتی یک درمانگاه ، دکتر و دارو خانه ... از خصوصیات واحدهای حاشیه نشینی است .

در بخشی از چادر نشینان دولت آباد که صد ۲۵ چادر در اندازه‌های مختلف بچشم می‌خورد . بعضی از چادر ها را با کشیدن دیوارهایی از قوطی روغن نباتی و چوب کسترش داده‌اند و در هر چادر حداقل ۴ تا ۱۲ نفر و حتی بیشتر هم زندگی می‌کند .

در نزدیکی چادرها فقط یک ساری آب موجود است که از آن برای آشامیدن و دستشو استفاده می‌شود . یک خانواده در تمام روز

یکی از کارکنان محبوبه کارخانه کاغذ سازی هفت تبه ، خبرنگار رنجبر مصاحبه‌ای با چند تن از اعضای شورای کارکنان این کارخانه ترتیب داد که شمهت‌هایی از این گفتگو را در زیر می‌آوریم .  
یکی از نمایندگان شورا در مورد قاسمی میگفت : یک‌ماه با او کار کردم رفتار او با همکاران و کارگران بسیار خوب و مهربان و از نظر اخلاق و رفتار بی نظیر بود . هر موقع میخواستیم از هم جدا شویم خدا حافظی اش دو ساعت طول میکشید . نماینده دیگر حرف او را قطع کرد و افزود او با تمام وجود نسبت به پیشبرد و افزایش تولید عشق می‌ورزید . او فردی بسیار با مسئولیت و متعهد و فعال و دلسوز بود . هرگاه در انجام کارش به مشکلی برخورد می‌نمود به کارگران و همکاران خود در رفع آن مشکل تکیه میکرد . او تقریباً همه وقت در کارخانه بود . بسیار اتفاق می‌افتاد که از ساعت ۷ صبح تا پاسی از نیمه شب در کارخانه می‌ماند .

یکی از نمایندگان و همکاران قاسمی بیامی داد و از من خواست که ضمناً " آنرا در رنجبر بنویسم و آن این بود : از مسئولین می‌خواهیم که جهت رفاه خانواده دو کودک قاسمی از هر لحاظ چه مالی وجه مسکن ، مصرا " اقدام نمایند و افزود که جهت مستمری برای خانواده اش از طریق شرکت و کمیته امام محل اقداماتی انجام گرفته است . سپس نظر آنها را در مورد مدیر عامل جدید و مشکلات کارخانه جویا شدم . یکی از نمایندگان شورا جواب داد : مدیر عامل جدید باید در درجه اول بخواسته‌های شورا جامه عمل بپوشاند . خواسته‌های شورا بشرح زیر است :

- ۱- پیش برد امریایک سازی که امری تعیین کننده و عمده ترین مسئله می‌باشد و چنانچه این مسئله حل شود قادر خواهیم بود قدم مهمی در پیشبرد امر تولید و افزایش آن برداریم . عوامل و ایادی ناراضی تراش رژیم طاغوت هنوز در پسته‌های حساس کارخانه کار می‌کنند باید هرچه زودتر تصفیه شوند افرادی که باز نسنسته ادارات دیگر که در عین دریافت حقوق باز نسنسنگی که در کارخانه نیز کار می‌کنند و حقوقهای کلان دریافت می‌دارند باید جای خود را به افراد جوان بیکار بدهند .

- ۲- تجدیدنظر درباره حقوقهای کلان و جبران اجحافات
- ۳- رفع کمبود مواد اولیه مورد نیاز کارخانه
- ۴- رسیدگی فوری به مسائل رفاهی کارکنان از قبیل مسکن - بهداشت و بیمه و طرح و طبقه بندی مشاغل .

بنا بگفته نمایندگان چنانچه مدیر عامل جدید بخواسته‌های شورا توجه کافی مبذول دارد ، از حمایت کامل شورا برخوردار خواهد بود .

طبیعی است که بهبود وضع زندگی حاشیه نشینان که بخشی از زحمتکشان جامعه ما هستند ، بحیه در صفحه ۷



# رویدادهای جهان اتحادیه کمونیستهای بنگلادش

## \* حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست بنگلادش \* حزب کمونیست بنگال شرقی (م-ل)

طبق اطلاعی که به ما رسیده دو حزب مارکسیست - لنینیست بنگلادش با اتحاد خود حزب واحد کمونیستی این کشور را بوجود آوردند و طی اطلاعیه شماره ۲ اکتبر ۱۹۷۹ با نام " اتحادیه کمونیستی بنگلادش (م-ل) " آن را به اطلاع تمام مارکسیست - لنینیستهای جهان رسانیدهاند. در این اطلاعیه میخوانیم: اخیراً حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست بنگلادش و حزب کمونیست بنگال شرقی (م-ل) پلنوم موفقیت آمیزی را جهت متحد شدن خود برگزار نمودهاند. این پلنوم یک گام بزرگ در جهت اتحاد تمام مارکسیست لنینیستهای بنگلادش جهت ایجاد حزب واحد بوده است. برای سالها ما شاهد تعداد زیادی انشعابات در جنبش مارکسیست - لنینیستی

بوده ایم و این پلنوم روند جدیدی را بوجود آورده است. هم اکنون مارکسیست-لنینیستها بر پایه خط سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی متحد شدهاند. این پلنوم دو سازمان شرکت کننده را نفی سازمانی نموده و سازمان حزبی جدیدی را به نام " اتحادیه کمونیستی بنگلادش (م-ل) " بوجود آورده و مبارزه به خاطر اتحاد با دیگر مارکسیست - لنینیستها هنوز ادامه دارد. این یک روند نوین در جنبش انقلابی جهانی است. سازمان ما این پیروزی بزرگ مارکسیست-لنینیستهای بنگلادش را تبریک می گوید و آن را نشانه دیگری از رشد و قوام جنبش مارکسیستی لنینیستی جهان و پیروزی دیگری برای پرالیسم و رویونیسم می داند.

## با نزدیک شدن المپیک ۱۹۸۰ زندانیان سیاسی مسکو

### بخارج پایتخت منتقل میشوند

آزاد گردند. در این نامه آمده که با نزدیکی المپیک ۱۹۸۰ زندانیان سیاسی که در مسکو محبوس هستند با یک برنامه تنظیم شده تا آغاز این سال به نقاط دور دست روسیه انتقال می یابند تا کسانی که به مسکو می آیند، نتوانند اطلاعی از آنان کسب کنند. نامه ضمناً متذکر می شود که مدت حبس زندانیان سیاسی که دوره محکومیت آنها به پایان رسیده است، تمدید گردیده است.

با نزدیک شدن المپیک ۱۹۸۰ زندانیان سیاسی در مسکو به خارج پایتخت منتقل میشوند. سازمان عفو بین المللی خواستار آزادی کسانی شد که در روسیه به علت افکار سیاسی شان به زندان افتاده اند. این سازمان در نامه سرگشاده خود بد برزنیف خواستار گردید افرادی را که به علت افکار سیاسی و ایمان خود علیه سیستم موجود در روسیه به زندان محکوم شده و یا آنهایی که به علت مبارزه سیاسی بر چسب دیوانه به آنها زده شده و در تیمارستانها محبوس گردیده اند،

## سالروز حمله «پراودا» به امام

تهران شاهد بیورش دد منسانه ارتش ضد خلقی شاه به دانشجویان و دانشآموزان مبارز و کشتار بی رحمانه آنها توسط رژیم سفاک شاه بود. زمانی که دو ماه پس از کشتار دسته جمعی مردم ما در میدان شهدا و در شرایط اختناق حکومت نظامی حتی لحظه ای توفان انقلاب خلقهای مبارز ما فروکش نکرده بود، در چنین لحظات حساسی از تاریخ میهن ما، تزارهای نوین به

سال گذشته در چنین روزهای پر شکوهی از جنبش انقلابی مردم میهن ما، روزنامه پراودا ارگان حزب به اصطلاح کمونیست شوروی ضمن مقاله ای که انتشار داد به امام خمینی رهبر انقلاب ایران حمله نمود و اهمیتی را که کرملین برای " ثبات اوضاع " در ایران قائل است یاد آور شد. قسمت هائی از این مقاله در همان زمان در روزنامه اطلاعات سیزدهم آبان ۱۳۵۷ چاپ

## اخبار افغانستان - کابینه برای انشعاب در جنبش سخت فعالیت میکند - خلق افغانستان همچنان پیروزی بدست می آورد

طبق گزارش روزنامه " نواشی وقت " در پاکستان در تاریخ ۵۸/۸/۲ جنک شدید بین رزمندگان جمعیت اسلامی افغانستان و قوای مزدور دولت امین در گرفته که طی آن ۴۰۰ نفر از قوای دولتی و ۱۲ مستشار روسی کشته، ۷۰۰ نفر از سربازان با سلاحهای خود تسلیم انقلابیون گردیده، ۱۱ تانک توسط مردم به آتش کشیده شده و ۲ هلیکوپتر روسی سرنگون شده است.

فیض آباد مرکز استان بدخشان نیز در محاصره مجاهدین می باشد. در این درگیری ۸۰ نفر از مجاهدین به شهادت رسیده اند. هم اکنون تمام شهرستانهای استان بدخشان از جمله شهر بزرگ، بهارک، یفتل، روستاق، راق، درواز، خاهان، چاه آب جزو مناطق آزاد شده می باشند. همچنین شهرستان جرم که معادن مشهور لاجورد افغانستان در آن است، در استان بدخشان در دست مجاهدین می باشد.

بنا به گزارش دفتر " جمعیت اسلامی افغانستان " در تهران، و به نقل از خبرنگار این جمعیت در افغانستان یکی از مراکز مهم نظامی دولت فاشیستی امین در منطقه ای بنام پره و کوک چائیل در استان بادغیس توسط مجاهدین این جمعیت اشغال شده و چهار ده هزار فشنگ، صد مسلسل کلاشینکف و تعدادی مسلسل سنگین روسی و مقدار زیادی وسائل دیگر به نفع خلق مصادره گردید.

یکی از مجاهدین که از جبهه جنگ آمده گزارش می دهد، که شهر قلعه نو مرکز استان بادغیس هم اکنون در محاصره شدید مجاهدین قرار داشته و تصرف این شهر بدست انقلابیون امری لحظه ای است.

همچنین نبرد شدیدی در شهرستانهای اوبه وحشت واقع در استان هرات بین مجاهدین و نیروهای مزدور جریان دارد که نیروهای رژیم امین ضربات شدیدی را متحمل گردیده و مقدار زیادی سلاح و مهمات جنگی در این نبردها به دست انقلابیون افتاده است. همین منیع اضافه می کند که مجاهدین به معدن ذغال سنگ که در کمرخ در استان هرات واقع است حمله نموده و آن را متصرف شده اند.

طبق اخبار خبرگزاریهای جهان، در تاریخ ۵۸/۸/۱۲ روسیه سوسیال امپریالیستی ۲۰ گردان از سربازان خود را جهت حفاظت از پایگاههای

## مصاحبه با نماینده «جبهه آزاد بیخش خلق اریتره» دوستان و دشمنان جنبش خلق اریتره

ادامه مصاحبه خبرنگار ربحر با رفیق عمد میکائیل کاهسای "مسئول روابط خارجی" جبهه آزاد بیخش خلق اریتره در اروپا. س- دشمنان و دوستان انقلاب را برایمان معرفی کنید.

ج- این سؤال بسیار مهمی است. برای تمام انقلابات و برای رسیدن به پیروزی لازمست یک دید روشن نسبت به دوستان و دشمنان انقلاب داشته باشیم. تجربه ما نشان میدهد که این نکته حیاتی است. آنچه که در تجربه انقلاب اریتره به ثبوت رسیده اینست که عدم شناخت از دوستان و دشمنان انقلاب ضررهای بسیار بزرگی به انقلاب ما زده که توضیح میدهم.

زمانیکه جنبش مقاومت اریتره و جنک مسلحانه آغاز شد یک برنامه سیاسی وجود نداشت که دوستان و دشمنان و استراتژی جنبش را مشخص کند. کشور ما یک کشور فئودال - سرمایه داری است که تحت سلطه خارجی قرار دارد. به اعتقاد ما، استعمار اتیوپی و حامیان امپریالیستی اش، امپریالیسم آمریکا و اقتصادی و... مشترکاً با منافع استراتژیک و اکتون رژیم فعلی با حمایت شوروی سعی نموده و می نمایند که جنبش مقاومت اریتره را از بین ببرند. اضافه بر اینکه سیاست این رژیم مانند صهیونیستها که با سیاست توسعه طلبی خود حقوق حقه فلسطینی را نسفی نموده اند، مجموعاً "یک خطر را برای تمام منطقه ما تشکیل میدهند.



فریبانیان بحیاران میک های روسی و خلبانان کوباشی در اریتره

ما معتقدیم هر خلقی که برای تعیین حق سرنوشت خود مبارزه می کند، برای تغییر واقعیت در اریتره نیز مبارزه می کند. واقعیتی که خلق

بر علیه دولت اتیوپی می جنگد، بلکه در عمل علیه کسانی که جنک را در اریتره هدایت می کنند یعنی ژنرال ها و افسران عالی رتبه شوروی نیز می جنگند. س- نقش یمن جنوبی و کوبا در سرکوبی خلق اریتره چیست؟

ج- کوبایی ها همانند یمن جنوبی در سرکوب خلق ما شرکت کرده بودند.

فکر میکنم برای ما و بخصوص خلقهای منطقه، دولت یمن جنوبی نمونه بسیار مهمی است. در گذشته ما و "جبهه آزاد بیخش یمن" همواره برای ایجاد یک جبهه واحد در منطقه مبارزه میکردیم. یمن جنوبی همواره روابط خودش را با ما حفظ نموده و از جنبش آزاد بیخش ما و بخصوص "جبهه آزاد بیخش خلق اریتره" حمایت میکرد. می توانیم بگوئیم که قبلاً "یمن جنوبی و جبهه آزاد بیخش عمان و جبهه آزاد بیخش فلسطین و نیروهای دمکراتیک درون اتیوپی همه با هم بسیار نزدیک بودند. از ژانویه تا فوریه ۱۹۷۷ یک هیئت نمایندگی از یمن با بعضی از اعضای کمیته مرکزی حزب از نقاطی که توسط ما آزاد شده بود دیدن کردند.

سه ماه بعد، سربازهای یمنی را در مقابل خود دیدیم که بر علیه ما می جنگیدند. آنها به درجه ای نازل کردند که تسلیم فشارهای شوروی شدند و بطور کلی استقلال و حاکمیت خود را از دست دادند. یمن جنوبی به تمام هواپیماهای روسی که مهمات برای رژیم اتیوپی حمل می کردند اجازه عبور از خاک خود را داد. یک هفتت



فریبانیان بحیاران میک های روسی و خلبانان کوباشی در اریتره

نمایندگی از طرف جبهه به آنجا رفت تا از یمن بخواهد که اجازه ندهد روسیه از عدن بعنوان راه عبور استفاده کند. آنها گفتند که نمیتوانند

برای تیات اوضاع در ایران بسیار آسودن و آسودن. قسمت‌هایی از این مقاله در همان زمان در روزنامه اطلاعات سیزدهم آبان ۱۳۵۷ چاپ شد.

در این مقاله، پروادا انقلاب عظیم و خونین مردم ما را نفی کرد و انگیزه آن را "منافع شخصی" رهبری انقلاب یعنی امام خمینی دانست و به امام خمینی هشدار داد که "در مبارزه‌ی خود روی پشتیبانی شوروی حساب نکنند".

پرواد نوشت: "رهبران مذهبی ایران برای رسیدن به هدفهای ویژه خود توده های مردم را به قیام و شورش وا دار کرده‌اند". و با بی شرمی ادامه داد "بی شک آیت‌الله خمینی در مبارزه‌ی جاری نمی تواند روی کوچکترین پشتیبانی شوروی حساب کند".

این درست دز زمانی است که انقلاب خونین مردم ما برای واژگونی رژیم منقریپهلوی هر روز اوج بیشتری می‌گرفت و در روز ۱۳ آبان که سالگرد هجرت امام خمینی بود، دانشگاه

### ● گروه مبارزه در...

فعالیت امروز ما ادامه فعالیت بخشی از گروهی است بنام "گروه مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر ایران" که در سال ۵۱ بر مبنای تئوری مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه ما مؤتسه دون در ایران تشکیل گردید. گروه در سال ۵۴ و ۵۵ متحمل ضربات جدی از طرف ساواک شد و شاخه‌هایی از آن دستگیر و زندانی گردیدند. این بخش از گروه ما در زندان با فشاری روی مقاومت در مقابل رژیم منقریپهلوی و ادامه مبارزه در درون زندان، جریان انقلاب شکوهمند کشورمان همراه با سایر زندانیان از زندانیان آزاد گردید و در اتحاد با رفقای دیگری از درون زندان فعالیت مجدد خود را آغاز کرد. مسأله‌ای که از همان نخستین روزهای فعالیت بنحو بسیار جدی برای ما مطرح بود این بود که با توجه به پراکندگی در داخل و خارج بر جنبش کمونیستی باید صادقانه و فعالانه با گروهی گری و سکتاریسم و تنگ نظری مبارزه کرد و با فشاری بر روی وحدت اصولی مارکسیست‌ها پیش از این به این پراکندگی که در نهایت فقط در خدمت دشمنان رنگارنگ انقلاب و طبقه کارگر می‌باشد دامن نزنیم و گامهای جدی و شملی در جهت وحدت برداریم. در این رابطه و در کنار فعالیت‌های مبارزاتی با استفاده از دموکراسی نسبی که نتیجه انقلاب خوین کشورمان بود به مطالعه و تحقیق جدی درباره مواضع ایدئولوژیک، سیاسی و حرکت‌های عملی گروه‌های موجود پرداخته و با فشاری بر مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه ما مؤتسه دون درگیر مبارزات فعال ایدئولوژیک با برخی از محافل و گروه‌ها و سازمان‌ها گردیدیم.

بارشد مبارزات ملی و طبقاتی و با روش بر شدن خطوط اصلی سازمانها و گروه‌های موجود مواضع سازمانهای تشکیل دهنده کمیته تدارکی حزب کمونیست ایران را در خطوط اساسی اش در اتحاد کامل یا مواضع خود دیده و ایجاد این کمیته را گامی بسیار مثبت و تاریخی در جنبش کارگری ایران در درجهت ایجاد حزب کمونیست ایران ارزیابی نمودیم و آنرا ادامه دهنده راستین جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران دانسته و با تمام نیرو در جهت وحدت با این جریان گام برداشته و در همکاری مشترک پایه‌های این وحدت را استحکام بخشیدیم.

تاریخ امروز وظایف خطیری را در مقابل مارکسیستهای واقعی ایران قرار داده است. ما از تمامی این نیروها می‌خواهیم با برخوردی اصولی، فعال و صادقانه و با جدا کردن مسائل عمده از غیر عمده به این وظیفه تاریخی خود پاسخ مثبت داده، در جهت وحدت گام برداشته و در اتحاد با کمیته تدارکی ایجاد حزب کمونیست ایران آم را ایجاد حزب را متحد به پیش بریم.

گروه مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر ایران پیروز باد وحدت اصولی کمونیستهای ایران در خدمت ایجاد حزب کمونیست ایران زنده باد مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه ما مؤتسه دون

۵۸/۸/۱۲ روسیه سوسیالیسم امپریالیستی ۲۰ کردان از سربازان خود را جهت حفاظت از پایگاههای روسی در برابر حملات انقلابیون به افغانستان گسیل داشته است.

علت وجود این تعداد زیاد از سربازان روسی نه تنها بدلیل حفاظت از پایگاهها، بلکه همچنین حفاظت از مستشاران و دیگر افراد روسی مقیم این کشور و همچنین نشانه تشدید جنگ انقلابی و عدم توانائی امین در نگهداری از منافع امپریالیسم روس میباشد.

### ● رو به جنبشهای...

پس از انقلاب تلاش‌هایی از جوانب مختلف صورت گرفته تا نیروهای برخاسته از انقلاب را مهار کرده و به انحراف کشانند و از مسیر اصلی که همانا مبارزه برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است دور سازند. اما این تلاش‌ها مؤثر نیفتاده است. خود جوئی مبارزات توده‌ها چنان بر قدرت بوده که توانسته همچنان به شتاب خود ادامه دهد. تلاشهای چپ‌نماها هم برای انحراف مبارزات توده‌ای، برای کشاندن آن به عملیات ماجراجویانه به جایی نرسیده و عملاً مشی فرصت طلبانه چپ منفرد گردیده است.

با تمام این احوال مبارزات توده‌ای و جنبش‌های عملی ما، امروز با مشکلات زیادی روبروست. امام خمینی به توده‌ها رومیکنند از آنها می‌خواهند که برخیزند و حرکت به جلو را تسریع نمایند. اما بوروکراسی اداری و نظامی که از گذشته به ارث مانده و هیچگونه تغییری در اساس آن بوجود نیامده، انحصار طلبان تازه دوران رسیده و بعضی ارگان‌های خلقی الساعه وابسته به همان بوروکراسی شدیداً در برابر این خواست مقاومت میکنند. بر ماست که رویه توده‌ها، رویه مبارزات و جنبش‌های توده‌ای داشته باشیم - باید به دو خصوصیت اساسی خود توجه جدی کنیم.

اولین خصوصیت ما اینست که با در عمل بوده‌ایم، برای تغییر آنهم تغییرات بزرگ گردهم آمده و متشکل شده‌ایم و عمیقاً معتقدیم که تغییرات بزرگ راتنها و تنها توده‌ها بوجود می‌آورند.

دومین خصوصیت ما اینست که آشکارا می‌گوئیم ما از اردوی زحمتکشانیم، با خطر نجات رنجبران، استثمارشدگان و ستم‌دیدگان است که برخاسته و مبارزه میکنیم و بهمین خاطر از کل جنبش انقلابی و انقلاب کنونی پشتیبانی می‌کنیم. درست بخاطر همین خصوصیات است که امروزه ما باید در سمت مبارزات توده‌ای باشیم و به حمایت سیاسی و مادی از آنها برخیزیم.

حمایت سیاسی ما از این مبارزات اینست که در آنها شرکت نمائیم و به آنها کمک کنیم تا آگاهتر و فعالتر در مبارزات انقلابی کنونی کشور

سرنوشت خود مبارزه می‌کند، برای تغییر واقعیت در اریتره نیز مبارزه می‌کند، واقعیتی که خلق ما قریباًست در آن زندگی می‌کند، شرایط تحقیر آمیز و فاسد و توهین. ماستی میکنیم بین واقعیت راتغییر در همین و یک دولت دموکراتیک مردمی دولت آزادیخواه توده‌های استعمار شونده و تحت ستم حمایت کند ایجاد نمائیم. وقتی از مردم صحبت می‌کنیم منظورمان عمدتاً "زحمتکشان و دهقانان هستند که حدود ۸۰٪ از خلق ما را تشکیل میدهند. این‌ها را ما بعنوان دوستان جنبش آزادیبخش خود بحساب می‌آوریم همچنین تمام نیروهایی که برای ایجاد جامعه‌ای دموکراتیک و سوسیالیستی مبارزه می‌کنند، علاوه‌ما تمام جنبش‌های آزادیبخش و تمام جنبش‌های کارگری در کشورهای سرمایه‌داری و کشورهای سوسیالیستی را متحدین جنبش مقاومت اریتره میدانیم.

البته مواضع مختلفی نسبت به اینکه چه کشوری سوسیالیستی است موجود می‌باشد. اگر عملکرد کشورهایی را که در یک مقطع زمانی سوسیالیست شدند، در حال حاضر در نظر بگیریم موضوع روشن خواهد شد.

موضع شوروی و سیاست او در اریتره و شاخ افریقا و بسیاری از کشورهای جهان سوم درس بزرگی برای تمام خلق‌هایی است که برای استقلال و آزادی مبارزه می‌کنند، در حالیکه اتحاد شوروی در سال‌های ۵۰ مدافع جنبش مقاومت اریتره و حامی حق تعیین سرنوشت خلق اریتره بود، امروز یک کارزار لحن پراکنی بر علیه جنبش مقاومت اریتره براه انداخته و با تهمت میزند که توکر و آلت دست امپریالیسم هستیم و با حمایت سیاسی، نظامی خود از رژیم اتیوپی سعی در خفه کردن جنبش مقاومت در اریتره دارد. چون رژیم اتیوپی در سرکوب ماموق نبوده کار یجائی رسیده که شوروی و متحدینش مستقیماً مداخله کردند، تا این جنبش را از بین بردارند. بنا بر این بطور عینی خلق اریتره، نه تنها

ما، در مبارزه‌ی مرگ و زندگی جاری که بین نیروهای استقلال خواه و وابسته در جریان است شرکت نمائیم و از جریان سیاسی استقلال خواهی که زیر شعار آمریکا، نه روسیه و نه شرقی، نه غربی به رهبری امام خمینی، قاطعانه پشتیبانی نمائیم. حمایت سیاسی ما از مبارزات توده‌ای این است که در عمل توده‌ها را به قدرتشان آگاهی دهیم و آنها را متشکل سازیم.

در جریان چنین کاری ضروریست که قاطعانه بر اساس سیاست حق داشتن، سودجستن و وحدت نگه داشتن از مطالبات آنها دفاع نمائیم و بقیه در صفحه ۴

بخواید که اجازه ندهد روسیه از حسن بسوزن راه عبور استفاده کند. آنها گفتند که نمیتوانند اینکار را بکنند. رفقای ما جواب دادند که شما استقلال خود را از دست داده‌اید.

عین همین در مورد کوبا اتفاق افتاد که نظامیان خود را برای استفاده از توپخانه سنگین و ضد هوایی فرستاده بود.

بین جنوبی بخاطر دادن صدها زخمی و کشته نتوانست موفقیت کسب کند همینطور در باره کوبا بی‌ها تا آنجا که اطلاعات بدست آوردیم آنها نیز با تلفات سنگین عملاً شکست خورده‌اند. سربازان یمنی بخاطر مشکلات داخلی خود عقب نشینی کردند. در اواخر ۷۸، آخرین سربازان کوبا بی‌هم عقب نشینی کردند.

مهم اینست که نقش کوبا بی‌ها را در جنگ تجاوزکارانه اتیوپی و موضع سیاسی آنها را در این مورد بدانیم، اگر چه آنها یک شرکت فعال حضوری ندارند، ولی در عمل آنها هستند که تمام نظامیان اتیوپی را تعلیم میدهند و از طریق پر کردن جای سربازان اتیوپی در منطقه اوگادن (نزدیک سومالی) به آنها کمک می‌کنند تا به جبهه جنگ علیه اریتره فرستاده شوند. هم اکنون کوبا در اوگادن هزاران سرباز دارد. موضع سیاسی آنها واگذاری اریتره به اتیوپی است. رهبران کوبا، کاسترو و گارلوس رودریگز در ظاهر از حق تعیین سرنوشت اریتره صحبت می‌نمایند، ولی در عمل جنبش ما را سرکوب میکنند.

راجع به حضور شوروی قبلاً گفتیم، بیش از دو هزار و پانصد سرباز و افسر شوروی در اتیوپی هستند که در عمل جنگ را هدایت می‌کنند. همه این مسائل ما را عمیقاً متعقد ساخت که باید بروی نیروی خود تکیه کنیم و به هیچ قدرتی وابسته نباشیم. وقتی می‌گوئیم تکیه به نیروی خود ما این معنی نیست که باید دور خودمان حصار بکشیم. ما از تمام کمک‌های نیروهای که از مبارزه ما پشتیبانی می‌کنند، استفاده خواهیم نمود و میکوسیم تا رابطه‌مان را با تمام نیروهای انقلابی و دموکراتیک جهان تقویت نمائیم.

### تصحیح

تذکره و انتقاد دای داشتیم از طرف تنی چند از دوستان و شخصیت‌های میهن دوست نسبت به نوشتن "اخباری از کردستان" که در رنجبر شماره ۳۲ منتشر شده بود و خبر از کنترل شهر سنج بدست دمکرات‌ها میداد که نادرست بود. بدین وسیله این خبر را تصحیح کرده و از خوانندگان بوزش می‌طلبیم. امیدواریم این دوستان با زهم با نظیر امرات و انتقادشان ما را در پیشبرد وظایف میهنی و انقلابی خود یاری دهند.





# در روستاها

## گرگان و مازندران

# گزارشی از وضع پنبه و کارخانجات آن

هم اکنون اکثر کارخانه‌های خصوصی پنبه پاک کنی گرگان و مازندران یا تعطیل اند یا اینکه تولیدات آن نسبت به سال گذشته بسیار پایین آمده است که در این صورت لطافت زیادی هم به اقتصاد کشور و به طور مشخص به مردم وارد خواهد آمد. کشاورزان از وضع فروش پنبه به هیچ وجه راضی نیستند و در این موردهیچگونه اقدامی هم به عمل نیامده است.

در زیر ما علت‌های این مسئله را بررسی می‌کنیم و قبل از این بررسی وضع بازار این منطقه را توضیح می‌دهیم.

همان طوریکه می‌دانید امسال دولت مردم را تشویق کرد برای اینکه ما وابستگی کشاورزی نداشته باشیم سعی کنند بیشتر گندم و برنج بکارند و به همین خاطر قیمت گندم را از کیلو ۱۲ ریال در سال گذشته به ۱۶ ریال رساند و به نفع کشاورز بود که گندم بکارند. این باعث شد که کشاورزان به کشت پنبه کمتر توجه کنند و به همین دلیل کشت پنبه امسال به ۵۰٪ رسید.

قیمت پنبه اوایل امسال ۶۴ الی ۶۴/۵ تومن خرید و فروش می‌شد. آخرین قیمت نرخ تخم پنبه ۱۶۰۰ تومن می‌باشد که سال گذشته ۱۲۰۰ تومن بود. البته همه ساله برای تشخیص چگونه وضع پنبه "کیل گیری" می‌کنند (منظور از "کیل گیری" این است که به عنوان مثال هر ۱۰۰ کیلو "وش" یعنی پنبه‌ای که از مزرعه به کارخانه می‌برند برای تصفیه ۳۱٪ پنبه خالص می‌دهد - ۲٪ زیر کیلیز می‌دهد ۵۸٪ تخم پنبه می‌دهد و بقیه‌اش ضایعات است که برای گاو و گوسفند مصرف می‌شود). قیمتی را که در بالا آورده‌ایم برای پنبه‌های مختلف فرق می‌کند چون پنبه در کارخانه‌ها درجه‌بندی شده که مرغوبترین آن ۱ پست می‌باشد که این درجه به ۳ می‌رسد.

امسال با سیاستهایی که دولت برنامه ریزی کرده و با قیمت‌هایی که پنبه و تخم پنبه خرید و فروش می‌شود ببینیم اوضاع منطقه به طور مشخص در گرگان چگونه است. برای این منظور ببینیم وضع بخشهایی که در رابطه با پنبه هستند و در بازار پنبه نقش دارند چگونه است؟ اینها شامل: کارخانه های دولتی - کارخانه‌های خصوصی - کشاورزان - و کارگران کارخانه‌ها هستند.

۱- کارخانه‌های دولتی - دولت امسال مشغول خریدن پنبه‌های بازار شده است

# روستای دارامرود لرستان

## \* پشتیبان جمهوری اسلامی هستیم ولی وضع ما با سابق فرقی نکرده است

روستای دارامرود یکی از روستاهای لرستان است که در فاصله هفتاد کیلو متر از خرم آباد واقع شده است. این روستا دارای ۳۰ خانوار است که همگی به کشاورزی دیمی مشغولند. بیشترین محصول آنها نخود، گندم و جو است. دامپروری رونق زیادی در آنجا ندارد. دارامرود در منطقه سردسیری قرار گرفته و دارای زمستانهای سختی بوده و مدت‌ها راه بندان است. اهالی قریه مجبورند که هیزم و نفت ذخیره داشته باشند، به ناچار به طور مخفی هیزم جمع می‌کنند. اهالی قریه میگویند جنگلیان هر بار تاظر هیزم را ۵۰ تومن جریمه می‌کنند.

در روستا از هیچ یک از امکانات بهداشتی و رفاهی خبری نیست. تنها یک مدرسه و اتاقه دارند که آن هم به خرج خود اهالی و از گل و چوب ساخته شده است. این مدرسه دارای سه معلم است. اهالی ده به علت دسترسی نداشتن به پزشک در موقع بیماری دست‌به‌دامن دعا نویس ده می‌شوند.

آنها پشتیبان جمهوری اسلامی هستند. یکی از جوانان روستا می‌گفت: «با اینکه جمهوری اسلامی را پشتیبان هستیم ولی در هیچ زمینهای وضع روستا یا گذشته تفاوتی ننموده است و ما از دولت انتظار داریم که به تقاضاهای روستایمان جواب بدهد».

یکی از اهالی دارامرود به نمایندگی از طرف اهالی این روستا نامهای خطاب به دولت در مورد خواسته‌هایشان نوشته است:

محترما به عرض می‌رسانم این جانب بنی بابا علی به نمایندگی از طرف سی خانوار قریه دارامرود که به مسافت ۷۰ کیلو متر از شهر خرم آباد دور هستیم و در این دوره اسلامی به رهبری امام خمینی که چون خورشید بر سر ملت ایران نور افشاند است، تقاضا داریم که به کمبودهای قریه ما رسیدگی فرمائید چون تا کنون از همه حیث بی بهره بوده‌ایم.

- ۱- دارای حمام نیستیم
- ۲- لوله کشی آب آشامیدنی نداریم
- ۳- مسجد نداریم
- ۴- وسائل ماشین درو کشاورزی نداریم
- ۵- پزشک نداریم
- ۶- دسترسی به نفت جهت سوخت زمستانی نداریم

# دفاع از روستائیان چاهک فارس را ادامه دهیم

## \* ما آباد نمیکنیم به بهای زجر و زحمت آنها اسمش را گذاشته‌اند تخریب!

در "رنجبر" ۲۳ و ۲۹ گزارشهایی از مبارزات دهقانان چاهک فارس چاپ کردیم. مسئله این دهقانان این بود که زمینهای باغی را که از زمان ساپور بختیار شروع به آباد کردن نمودند و با هزینه زیاد چاه زدند و ..... مسئولین دولتی می‌خواستند از دستشان بگیرند و اجازه کشاورزی ندهند. دادگاه فارس حکم تبعید نمایندگان آنها را صادر کرده بودند و به دهقانان حکم کردند که چاه‌هایشان را بپر کنند و ..... دهقانان به مبارزه متحد خود ادامه دادند و گزارش زیر از پیروزیهای نسبی آنها تهیه شده است.

بعد از ۹ ماه فعالیت شبانه روزی بیش از هزار نفر از دهقانان زحمتکش روستای چاهک فارس، بالاخره پیروزی نسبی و موقتی بدست آوردند.

علیرغم اینکه شورای محل (شهرستان نی ریز) آنها را محکوم به تبعید یا پر کردن چاه‌هایشان کرد، ولی چون آنها کار را جمعی شروع کرده بودند و منافع فرد شخصی مطرح نبود، زحمتکشان روستای چاهک نومید نشدند و به دفاع از نمایندگان تبعیدی خود برخاستند. تعدادی از آنها آمدگی خود را برای رفتن به قم و دیدن امام اعلام کردند عده‌ای دیگر به شیراز رفتند تا صدای حق طلبانه خود را به گوش استانداری و مقامات دولتی برسانند و عده دیگر هم علیرغم تهدیدات، کار شخم و بذر پاسی را جلو بردند.

با توجه به حقانیت کار انجام شده، به خاطر اینکه جمع بزرگی را در بر می‌گرفت و روحیه از خود گذشتگی در آنها وجود داشت، مبارزه‌شان به پیروزی موقتی رسید و حکم دادگاه مبنی بر تبعید و یا پر کردن چاه‌هایشان با حسن نیت روحانی مبارز و متعهد سید علی تقیپوی و کمک استانداری فارس لغو گردید و اجازه کار بر روی زمین به آنها داده شد.

ولی هنوز مبارزه پایان نگرفته، چرا که دهقانان برای واگذاری زمین با آنها مبارزه می‌کنند و تا روزی که واگذاری به طور کامل انجام نیابد، آنها از پای نخواهند نشست. کمک دولت موقت جمهوری اسلامی به زحمتکشان روستا در خدمت تحکیم جمهوری اسلامی است.

دهقانان چاهک بعد از احکام دادگاه و قبل از پیروزی نامهای به دفتر امام و مقامات دولتی و مطبوعات فرستادند که ما قسمتهایی از آن را برای اطلاع خوانندگان می‌آوریم:

- ۱- اجازه به زیر کشت بردن زمینهای ما که به فرمان امام آباد کرده‌ایم.
- ۲- لغو حکم دادگاه مبنی بر تبعید و یا پر کردن چاه‌هایمان (که تمام زندگی ماست)
- ۳- محکمه کردن توطئه‌ها، مذبذبه‌ها،

خواسته‌های ما:

کارخانه‌ها هستند. ۱- کارخانه‌های دولتی - دولت امسال مشغول خریدن پنبه‌های بازار شده است و با آن برنامه‌هایی که در کارخانه‌ها شیباده کرده است کشاورزان فقط جلب کارخانه‌های دولتی شده‌اند. دولت در کارخانه‌هایش رقم وش ۱ پست را ۶۷/۵ تومن و وش رقم ۲ را ۶۶/۵ تومن می‌خرد و وش ۳ را تحویل نمی‌گیرد. در این صورت معلوم نیست رقم وش ۳ را چه کار باید بکنند. از آنجایی که نرخ پنبه دولتی بیشتر از خصوصی می‌باشد و پول نقد می‌پردازد و به کشاورزان خلال (کیسه چطائی) نو می‌دهد در این صورت تمام کشاورزان جلب این کارخانه‌ها شده‌اند. در حالی که کلیه کارخانه‌هایی که دولتی هستند قدیمی‌اند، خوب کار نمی‌کنند و تولیدات خوبی هم ندارد و اگر همین پنبه‌ها که در کارخانه‌های دولتی تصفیه می‌شوند، در کارخانه‌های خصوصی تصفیه شوند باز ده آنها خیلی بیشتر خواهد بود زیرا این کارخانه‌ها مدرنند. هم اکنون بسیاری از پنبه‌روی زمینهای زراعتی و انبارها مانده است زیرا پنبه زیاد و کارخانه دولتی کم است.

۲- کارخانه‌های خصوصی - اکثر کارخانه‌های این منطقه خصوصی‌اند که بسیار مدرن هستند. ظرفیت آنها نسبت به کارخانه‌های دولتی خیلی بیشتر است. منتها امسال تولیدات این کارخانه‌ها بسیار پائین آمده است. حتی

دیگر کمبود این مسئله باعث وقفه در جمع‌آوری و تحویل پنبه کارخانه شده و هنوز هستند کشاورزانی که پنبه‌هایشان روی زمین‌ها و توی زمینها باقی مانده است و یا بدون اینکه از کیسه استفاده کنند جمع‌آوری می‌کنند (به صورت فرج). از طرف دیگر آنها با بی پولی روبرو هستند. در کارخانه‌های دولتی فقط وش رقم ۱ و ۲ را تحویل می‌گیرند در این صورت برای کشاورزانی که دارای وش ۳ هستند معلوم نیست کجا باید بفروشند. اینها اگر به کارخانه‌های خصوصی مراجعه کنند یا تعطیل‌اند یا اینکه کیسه چطائی تحویل نمی‌دهند و اگر به کارخانه دولتی مراجعه کنند وش رقم ۳ تحویل نمی‌گیرند.

کارگران - کارگرانی که در این کارخانه‌ها بخصوص کارخانه‌های خصوصی کار می‌کنند، ظاهراً مسائل فوق را ندارند ولی خطر بیکار شدن آنها را تهدید می‌کند. اکثر آنها با سابقه حتی ۲۹ سال کار که در این کارخانه‌ها کار کردند، هم اکنون بیکارند و از این وضع ناراضی‌اند. علاوه بر این کارگران، کارگران فصلی دیگر که همه ساله در این کارخانه‌ها کار می‌کردند امسال بیکار مانده‌اند و منتظر حل این مسئله هستند. البته در این قسمت اگر توضیحات بیشتر خواسته باشید می‌توانید در رنجبر شماره ۳ و دیگر رنجبرها مراجعه کنید و در این زمینه با مشکلات آنها آشنا شوید.

### آگهی برای وابسته

فقط رنگ امریکائی دارد محو شود ولسی آن چه که این دار و دسته درباره آن سکوت می‌کند قرار داد دو جانبه ۱۹۲۱ ایران و شوروی است که امروز به این قدرت امپریالیستی اجازه اشغال ایران را می‌دهد و همچنین باید از این دار و دسته پرسید که موک اندازهای آری-پ-ژ-۷، تانکهای دو حیاتین، پل‌های پیش ساخته، ماشینهای زیل و سایر سلاحها و تجهیزات نظامی روسی دیگر را شاه خائن از چه کشوری خریداری کرده بود؟ چرا این دار و دسته در مورد این سلاحها و قرار داد ۱۹۲۱ سکوت می‌کند؟

یا فشاری این دار و دسته روی انحلال ضد اطلاعات ارتش، با تصویری که ضد اطلاعات رژیم شاه در ذهن ارتشیان میهن پرست ایجاد کرده ظاهر فریبنده دارد ولی در واقع آنها در رابطه با منافع اربابان روسی خود و برای باز کردن راه نفوذ جاسوسان روسی، خواهان انحلال ضد اطلاعات از ارتش هستند. در حالی که ارتش ملی ما نباید در مقابل رخنه جاسوسان "سیا" و "کا.گ.ب" آسیب پذیر باقی بماند و ضد اطلاعات ارتش در صورتی که کاملا

باز سازی شده و اعضای آن را افراد میهن پرست و استقلال خواه تشکیل بدهند وظیفه‌اش محدود به مبارزه با جاسوسان خارجی باشد.

### نو سازی یا روسی کردن ارتش؟

نو سازی ارتش بزعم دارو دسته کیانوری، جانشین کردن اسلحه و مستشار روسی به جای اسلحه و مستشار امریکائی و همچنین ایجاد امکانات و شرایط لازم برای رخنه و نفوذ ونشو ونمای جاسوسان و عوامل امپریالیسم روسیه در داخل ارتش است. نکته‌ای را که این دار و دسته در نو سازی ارتش فراموش می‌کند استقلال نظامی کشور از بیگانگان و اتکا به نیروی خویش است.

### خرید اسلحه روسی مجاز است!

آنچه که این دار و دسته در زمینه خرید اسلحه برای ارتش مطرح می‌سازد در واقع نوعی آگهی مزایده و مناقصه روسی است به عبارت زیر از روسی نامه "مردم" توجه کنید: سه اصل زیرین باید در خرید اسلحه دقیقاً اجرا شود:

- ۱- پزشک نداریم
- ۲- دسترسی به نفت جهت سوخت زمستانی نداریم و متاسفانه ما مورین جنگلبانی مانع تهیه هیزم برای پختن نان و خوراکی دیگر می‌شوند.
- ۳- با تقدیم احترام نیی بابا علی آبان

اول - خرید اسلحه می‌بایستی مقید به هیچ قید و شرط سیاسی و نظامی نباشد. دوم - هر سلاح مورد نیازی از لحاظ کیفیت آن، می‌بایستی بر مبنای مزایده انتخاب شود. سوم - هر سلاح مورد نیازی، از لحاظ قیمت آن، می‌بایستی بر مبنای مناقصه خریداری شود.

بدینسان بهترین سلاح (از نوع مورد نیاز)، به ارزان ترین قیمت و بدون هیچ قید و شرط سیاسی خریداری خواهد شد. (مردم شماره ۷۹، سهشنبه ۸ آبان).

چنانکه می‌بینیم این دار و دسته در نقش دلال و مبلغ اسلحه روسی به میدان آمده است. چرا؟

امپریالیسم روسیه بزرگترین زراد خانه جهان شامل مدرن ترین سلاحها را در اختیار دارد و طبیعی است که برای نفوذ در ارتش ایران و وابسته کردن آن بخود، حاضر است

"بهترین سلاح" را به "ارزان ترین قیمت" در اختیار ما بگذارد. اشاره به "هیچ قید و شرط سیاسی" هم تعارف است. مگر کشورها با قرار دادهای از قبل نوشته شده وابسته شده‌اند؟ وابستگی سیاسی و نظامی و غیره به تدریج هم می‌تواند در عمل تحمیل شود و این را دار و دسته کیانوری خوب می‌داند.

### "مربی" روسی به جای مستشار خارجی!

این دار و دسته برای آنکه جای خالی مستشاران غرب را با مستشاران روسی پر بکند، حقه‌ی جدیدی سوار می‌کند و می‌خواهد این مستشاران را در لباس "مربی" به ما قالب کند و می‌گوید:

برای تعلیم سلاح نوین خریداری شده، احیاناً به مربی نیاز خواهد بود، ولی این مربی فقط باید برای مدت معینی و برای تعلیم کار اسلحه معینی استخدام شود و پس از انقضای همان مدت به کشور خود باز نرود. (مردم شماره ۷۹).

طبیعی است که پس از خرید اسلحه، آن

- ۱- به زیر کشت بردن زمین‌های موات به فرمان امام
- ۲- آبادانی و عمران زمین‌هایی که شاه خائن به زور، به اصطلاح دولتی و ملی کرده بود

هم "بهترین سلاح"، به افرادی برای "تعلیم" آن نیاز خواهد بود و چون این دار و دسته، از حساسیت مردم ما نسبت به حضور مستشاران خارجی در کشور آگاه است لذا به جای آن، پیشنهاد استخدام "مربی" برای "مدت معینی" و برای "تعلیم کار اسلحه معینی" می‌کند. این "مربی" از کجا باید استخدام شود؟ بدون شک از "غرب" نخواهد بود. اسلحه روسی که آمد، مستشار یا بزعم این دار و دسته، "مربی" روسی هم باید به دنبال آن استخدام بشود.

### تبلیغ سیاسی طرفدار روس، در خدمت برقراری انضباط!

آنچه که این دار و دسته در زمینه تبلیغات و پرورش تکروی و عاطفی برای ایجاد انضباط معنوی و آگاهانه پیشنهاد می‌کند چیزی نیست جز تبلیغ طرفداری از روسها در ارتش. بنا به خواست این دار و دسته، این کار:

... می‌بایستی بر مبنای معرفی دشمن واقعی کشور ما، یعنی امپریالیسم و دست نشانداگانش، بر مبنای معرفی جبهه ضد امپریالیستی جهانی (متحدین طبیعی استقلال و آزادی ایران و هوا داران رشد و ترقی آن در مقیاس جهانی و منطقه‌ای) باشد.

(مردم، شماره ۷۹). یعنی ارتش ما باید به صورت مرکزی برای تبلیغ به نفع امپریالیسم روسیه و دست نشانداگان و عمال درآید. چون اگر از این دار و دسته بپرسی "متحد طبیعی" ما در جهان و منطقه کیست؟ همین جواب را خواهد داد.

### نه امریکائی، نه روسی، ارتشی مستقل و ملی و متکی به خلق

آنچه که کشور ما به آن نیاز دارد یک سیستم دفاعی قدرتمند، مستقل از بیگانه و متکی به خلق از طریق ایجاد ارتش ملی است که در آن، روحیه‌ی عالی میهن پرستی و عشق

- ۱- به خلع و رزمندگی حاکم باشد. این ارتش باید مستقل از امریکا و شوروی و متکی به نیروی میلیونی خلق باشد.
- ۲- محکوم کردن توطئه‌های مزدورانی چون ... مالک و دلال زمین مرتجع و آبادیش و پایان دادن به تحریکات ... زندگی بیش از ۱۰۰۰ نفر (۲۰۰ خانوار) در اثر توطئه‌های نا جوانمردانه در خراسان.
- ۳- کلیه زحمتکشان روستای چاهک پشتکوه فارس از توابع نی ریز

به خلق و رزمندگی حاکم باشد. این ارتش باید مستقل از امریکا و شوروی و متکی به نیروی میلیونی خلق باشد. باید قرار دادهای دو جانبه با امریکا و شوروی و همچنین قرار دادهای تسلیحاتی با این دو ابر قدرت امپریالیستی فوراً لغو شود و ضمن اخراج مستشاران امریکائی، نباید اجازه بدهیم که جاسوسان "کا.گ.ب" در لباس "مربی" در ارتش ملی ما بخرند آموزش سیاسی - میهنی به افراد ارتش هم باید تنها به تقویت روحیه میهن پرستی، دفاع از آزادی و خدمت به خلق و تأمین رشد فرهنگی افراد ارتش خدمت نماید.

اساس تغییراتی که باید در ارتش صورت بگیرد این است که این ارتش از نیروی سرکوب ضد انقلابی و وابسته به قدرتهای خارجی به یک نیروی ملی و انقلابی متکی به خلق تبدیل گردد و به جای ایفای نقش زاندارم منطقه، از استقلال و تمامیت ارضی کشورمان در مقابل حملات خارجی دفاع نماید. این کار تنها از طریق ایجاد وسیع ترین دموکراسی برای سربازان و از بین بردن اطاعت کورکورانه، جلوگیری از نفوذ عناصر ضد انقلابی و وابسته به بیگانه و بالاخره تأمین رفاه سربازان عملی است.

به موازات این ارتش، باید یک سپاه شبه نظامی توده‌ای مرکب از افراد داوطلب که در تمام زمینه‌های نظامی آموزشهای لازم را دیده باشند به مثابه پشت جبهه‌ی ارتش ملی بوجود آورد و علاوه بر آن به تمام توده‌ها برای مقابله با تجاوزات بیگانگان تعلیمات نظامی داد. اسلحه مورد نیاز ارتش را هم باید خودمان در داخل کشور بسازیم و در صورت لزوم در مورد بخشهای بخرنج تر نظامی اقدام به تهیه آنها از منابعی غیر از دو ابر قدرت امریکا و شوروی نمایم و بیشتر همکاریهای دفاعی با کشورهای



# حادثه تحصن هنرجویان تبریز

## \* یورش به محل تحصن هنرجویان محکوم است \* قرار دادن مردم در مقابل یکدیگر عملی است ضدانقلابی \* عناصر اخلاکگر چپ‌نما و مذهبی نما را افشا کنیم

ساعت ۲ بامداد روز دوشنبه ۱۳۵۸/۸/۷، افراد مسلح کمیته به محل تحصن هنرجویان هنرستانهای تبریز در اداره مرکزی آموزش و پرورش این شهر یورش برده و به ضرب و شتم هنرجویان متحصن پرداختند و نمایندگان آنها را دستگیر و زندانی نمودند. این اقدام نادرست، منجر به تحریم کلاسها از طرف دانش آموزان و تعطیل مدارس، راهپیمائی‌ها، اجتماعات، تظاهرات و درگیریها و ناآرامیهای شد که چهره این شهر را درگون نمود.

سابقه مبارزه هنرجویان هنرستانهای تبریز از زمان طاغوت بخاطر تحقق خواستهای عادلانه و مشروع خود مبنی بر برگزاری کنکور اختصاصی و ایجاد دانشکده‌های فنی مبارزه کرده‌اند ولی در آن زمان جز وعده و وعید چیز دیگری نصیب آنان نشده است.

پس از پیروزی انقلاب، هنرجویان شورائی تشکیل داده و با مراجعه به مقامات استان و مسئولان مربوطه، خواستهای عادلانه خود را با آنها در میان گذاشتند. اما جواب درستی نگرفتند بناچار در ۲۵ مهر ماه، هنرجویان در محل هنرستانهای خود دست به تحصن زدند که تا ۲۸ مهر ماه ادامه یافت. چون این امر نیز بابت توجهی مسئولان امر مواجه شد، لذا هنرجویان ضمن انجام راهپیمائی، بطرف اداره آموزش و پرورش مرکزی حرکت کرده و در محل آموزش و پرورش تحصن اختیار نمودند.

از ۲۸ مهر تا ۲۷ آبان با وجود تماس‌های مکرر با مقامات مسئول و فرستادن نمایندگان از طرف هنرجویان به تهران و قم، هیچگونه اقدامی در جهت برآوردن خواستهای هنرجویان متحصن صورت نگرفت. تا اینکه واقعه دردناک ساعت ۲ بامداد روز دوشنبه بوقوع پیوست.

### حوادث بعدی

بدنبال درگیری افراد مسلح کمیته با هنرجویان متحصن و انعکاس خبر آن، صداهای ناسازگار از سوی دبیرستانهای مختلف تبریز با دادن شعارهایی از قبیل "محل تحصن، محصل، متحد" و "هنرجو"، "حمله‌های شبانه محکوم باید گردد" - "هنرجوی زندانی آزاد باید گردد"، "فرهنگ استعماری نابود باید گردد" - کنکور اختصاصی ایجاد باید گردد" و ..... بطرف اداره مرکزی آموزش و پرورش به حرکت درآمدند. این عده از دانش آموزان هنگام عبور دسته جمعی از خیابان شریعتی وقتیکه به نزدیکی کمیته ۶ می‌رسند، از طرف افراد کمیته جلو آنها گرفته می‌شود و برای پراکندن آنها چندین رگبار تبر

پس از راهپیمائی روز چهارشنبه، روز بعد نیز دسته‌های حدود ۱۵۰۰ نفر مرکب از پسران و دختران دانش آموز از چهار راه شهناز در جهت میدان ساعت حرکت کردند. جمعیت شعار بزرگ پارچهای با خود حمل میکرد که روپوش نوشته شده بود. "شما به نام اسلام به توطئه‌هایی نپردازید که خلاف و بر علیه اسلام عمل میکند". پیدا بود که مخاطب حرب دیگر اسلامی در محل است. امضا کنندگان شعار "گروه دانش آموزان جان نثار اسلام" بودند. شعارهای پارچه‌ای دیگری نیز حمل میشد که روی یکی از آنها نوشته شده بود. "درود بر امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران". در پیسایش صف تظاهر کنندگان، عده‌ای از مضمین حزب جمهوری اسلامی تبریز حرکت میکردند. . . . . خواست هنرجویان عادلانه و برحق است

خواست هنرجویان هنرستانهای تبریز چیست و چرا به این خواستها رسیدگی نمیشود؟ چرا هنرجویان مجبور میشوند برای تحقق خواستهای خود دست به تحصن بزنند و چرا محل تحصن آنها شبانه مورد حمله و یورش افراد مسلح قرار میگیرد؟ چرا یک جریان ساده و کوچک تبدیل به یک مسئله بزرگ و بغرنج میشود؟ چه دستهایی در کار است که در مقابل انقلاب و خواستهای عادلانه مردم می‌ایستد و زمینه را برای اخلاکگر چپ‌نما فراهم می‌نماید؟

خواست مرکزی هنرجویان هنرستانهای تبریز مبنی بر برگزاری کنکور اختصاصی و ایجاد دانشکده‌های فنی نیز خواستی است ماهیتاً "ضد امپریالیستی و در جهت ایجاد ایرانی عاری از وابستگی به امپریالیستها و بویژه دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی. تربیت تکنیسین و مهندسیین

عملی که متوانند چرخهای صنعت میهنمان را به حرکت در آورند قدمی است در جهت قطع وابستگی به شرق و غرب و باید به این خواست احترام گذاشت و در جهت تحقق آن گام برداشت، عدم رسیدگی به این خواست، تحریک مردم بر علیه هنرجویان و قرار دادن بخشی از مردم در مقابل بخش دیگر، جز اینکه به تضعیف انقلاب و به نفع دشمن داخلی و خارجی ما تمام بشود، نتیجه و ضرر دیگری در بر نخواهد داشت. درگیری بین افراد کمیته‌ها و هنرجویان و دانش آموزان، بین بخشی از مردم با بخشی دیگر، نمایشهای قدرت توسط این گروه یا آن گروه تحت تاءثیر منافع گروهی خود، به ادامه انقلاب و وحدت خلق خدمت نمی‌کند.

باعتقاد ما مقامات مسئول استان، بجای دادن وعده، طفره رفتن از رسیدگی به خواستهای بحق و عادلانه مردم، و برچسب زدن به هنرجویان، باید هر چه زود تر خود را اصلاح کنند و برای جلوگیری از توطئه‌های ابرقدرتها و عوامل ایرانی آنها و برای جلوگیری از اعمال عناصر فرصت طلب چپ‌نما و اخلاکگران مذهبی‌نما، هر چه سریعتر به خواستهای بحق و عادلانه هنرجویان و دانش آموزان مبنی بر برگزاری کنکور اختصاصی و ایجاد دانشکده‌های فنی جواب مثبت بدهند. باید کسانی که در بروجود آمدن حادثه روز دوشنبه

## جبهه قدرت طلبان

میکنند و بخصوص دمکراسی و آزادی را برای همه تا بین و نضمین خواهند کرد. "آیا واقعا" اینطور است؟ برای پاسخ دادن به این سوال لازم است حداقل یک ارزیابی کلی از این طیف "جبهه مخالفین" بعمل آوریم. با کمی دقت در این طیف معلوم میشود که اگر از چند نفر دمکراتهای انقلابی مذهبی و غیر مذهبی که واقعا روی خط اینها نیستند ولی بعلت برخی ناراضیاتی‌ها و اغتشاش فکری خودشان بطرف این طیف کشیده شدند، صرف نظر کنیم، ماهیت این طیف عبارتست از جبهه بورژوازی مخالفین. از راست تا چپ. کمی بیشتر نیروهای مختلف در این طیف را بشکافیم.

مذهبی‌های این طیف دقیقاً "نمایندة اسلام مبارز طرفدار توده‌ها نیستند. در واقع در بهترین حالت طرفدار سرمایه متوسط و بزرگ هستند.

ملی‌گراهای این طیف عموماً "گرایش به سالا دارند و غالباً متمایل به غرب هستند. با اصطلاح سوسیالیستهای این طیف در واقع بنوعی گرایش به روس دارند و یا تروتسکیست هستند. باین ترتیب این طیف اتحادی است بین دسته‌های عقب مانده و یا انحرافی از سه نیروی اجتماعی، اسلام، ملی‌گرایی و سوسیالیسم. علاوه بر همه اینها نیروهای سیاسی این طیف برای قدرت گرفتن عملاً هر ناراضی را مثل جاروی برقی بدرون خود کشیده و جذب کرده‌اند

بوروکراتها و روشنفکرانی که زمانی حتی تماماً "در اختیار رژیم شاه بودند و سابقه خودی ندارند در بین آنها دیده میشود.

حال ببینیم مواضع این "جبهه مخالف" در زمینه‌های مختلف مبارزاتی مردم چیست؟ در زمینه ضد امپریالیستی دو پای این "جبهه مخالف" لنگ است. یا گرایش به غرب در آنها قویست و یا تمایل به شرق دارند و بطور کلی در استقلال خواهی عقب مانده‌اند و قابل مقایسه با اسلام مبارز برهبری امام خمینی نیستند. در زمینه عدالت اجتماعی اصولاً "مسأله اصلی این‌ها نه منافع زحمتکشان بلکه منافع سرمایه‌داری بزرگ و اقشار مرفه جامعه است و دعوی آنها با دولت و حاکمین هم در اساس همین است.

در زمینه دمکراسی که ظاهراً "تکیه عمده و مهم مورد استفاده اینهاست، لازم است بیشتر توضیح بدهیم. علاوه بر آنکه باید از ارزیابی طبقاتی اینها و حتی وجود برخی بوروکراتهای بالا در آنها نتیجه میگیریم که اینها برخلاف ادعایشان دمکرات نیستند لازم است به دو نکته زیر توجه کنیم:

الف - این طیف فعلاً "در قدرت حاکم سهیم نیست لذا خیلی راحت وعده‌های بسیار می‌دهد و با انگشت گذاشتن بر عیوب انحصار طلبی در حاکمین، چنین وانمود میکنند که ضد انحصار طلبی هستند. اما در واقع مسأله اینها قدرت طلبی است و چنانچه قدرت بدستشان بیفتد بهیچوجه کمتر از انحصار طلبان فعلی عمل نخواهند کرد.

امپریالیسم و سرسپردگان آنها، مبارزه کنند، بتوانند تغییراتی در زندگی خود به نفع رفاه خویش بوجود آورند و بر سرنوشته خویش حاکمیت داشته باشند، و برای این لازم است توده‌ها همچنان پر شور و با علاقه بسیج و متشکل شوند و برای منافع خود به مبارزه ادامه دهند. اما دمکراسی بورژوازی میخواهد توده‌ها تنها در مواقع رای گیری بنفع احزاب بورژوازی به پای صندوق بروند و بقیه کارها را بدست "بزرگان" بسپارند. این هم درست بدلیل آنست که پایشان در مبارزه علیه امپریالیسم و برای تغییرات انقلابی بنفع زحمتکشان می‌لنگد، لذا از دمکراسی توده‌ای میترسند. "جبهه مخالفین" در مجموع در جهت منفعل کردن مردم و عقب زدن آنها از جنبش توده‌ای فعالیت می‌کند، و تنها آنها را باین شکل "ناراضی" تربیت میکند که خانه نشین شده ولی به رای دهندگان بنفع مخالفین تبدیل شوند. با اصطلاح دمکراسی مورد نظر آنها بنظر ما دمکراسی انقلابی توده‌ای نیست و آنها هم دمکرات‌های واقعی نیستند. باین ترتیب "جبهه مخالفین" قهرمانان ضد انحصار طلبی نیستند بلکه خود انحصار طلبیانی هستند که برای کسب قدرت مبارزه میکنند. آنها در واقع قدرت طلبند.

توده‌ها باید با هوشیاری همچنان پر شور به مبارزات متحد خود ادامه دهند و نیاید با توجه به ناراضیاتی‌ها و انتظارات برآورده نشده‌شان باین اشتباه بیفتند که گویا این "طیف مخالفین" انتخاب بهتری برای ادامه انقلاب و اداره کشور است.

امروز صفوف اصیل مبارزات مردم عبارتست از اسلام مبارز معتقد بر رهبری امام خمینی، نیروهای ملی‌گرای مترقی که در مسیر انقلاب حرکت می‌کنند، در وحدت با اسلام مبارز هستند و بالاخره سوسیالیسم انقلابی شامل کمونیستهای واقعی که برای اتحاد بزرگ ملی بین سه نیروی اصیل اجتماعی مبارزه مینمایند. این سه نیروی اصیل با آنکه هنوز به یک وحدت کامل نرسیدند ولی واقعیات عینی جهانی و ملی عملاً این سه نیروی در یک مسیر قرار داده است و در عمل خواهند همسو شدند.

نیروهای طیف مخالفین و بویژه آن شخصیت‌های واقعا "دمکرات و انقلابی که جلب این طیف شدند، "باید عمیقاً" توجه کنند که کمبود های یک جنبش اصیل رانمی توان با قهر کردن از آن و پیوستن به جریان‌های عقب مانده بر طرف کرد بلکه باید با جنبش میلیونی خلق متحد شد و فداکاری و کوشش نمود. پذیرفتن وحدت با جنبش و بخصوص پذیرفتن رهبری امام خمینی اصل درجه اولی است که باید بآن توجه کنند. شکی نیست که پشتیبانی ما از جنبش اسلام مبارز یک پشتیبانی اصولی و بر مبنای اعتقاد به اصیل بودن آن و بخاطر مصالح عالی انقلاب و میهن است. ما ضمن وحدت عمیق با انقلاب و نیروهای آن، بطور روشن با کمبودها و انحرافات و از جمله با انحصار طلبی که به وحدت خلق لطمه میزند مبارزه درون خلقی ادامه می‌دهیم و این مبارزه را تا تحقق اتحاد بزرگ ملی متشکل از سه نیروی اصیل اجتماعی فوق‌الذکر ادامه خواهیم داد.

خط سب، است. انقلاب، وحدت با جنبش.

جمعی از خبیانان شریختی و فتنه‌به‌تزدینی صهیته  
۶ می‌رسند، از طرف افراد کمیته جلوانها گرفته  
میشود و برای پراکندن آنها چندین رگبار تیر  
هوائی شلیک گردید. تعدادی از این افسراد  
پراکنده شدند ولی بقیه پس از عبور از این خیابان  
خود را به جلوی اداره آموزش و پرورش در خیابان  
شریتمداری (کوروش سابق) رساندند.  
حوالی ساعت ۱۰ صبح، با تجمع هزاران  
نفر از دانش آموزان پسر و دختر و گروهی از  
مردم در جلوی اداره آموزش و پرورش، گروه

کارگران در این اجتماع یک قطعه شعر انقلابی به  
زبان آذری خوانند که مورد استقبال مردم قرار  
گرفت. در این شعر، توطئه‌های امپریالیسم  
آمریکا و شوروی محکوم شده بود.  
در ادامه، یکی از دانشجویان در دفاع از  
خلقه‌های افغانستان، اریتره، فیلیپین و  
پولیساریو سخن گفت و اظهار داشت که خلق‌های  
اریتره و افغانستان با بمبهای ناپالم باصلاح  
"سوسیالیستی" شوروی سرکوب میشوند.  
اجتماع بدون هیچگونه حادثه‌ای به پایان رسید.

بزرگ ملی متشکل از سه نیروی اصیل اجتماعی  
فوق‌الذکر ادامه خواهیم داد.  
خط سیر راستین انقلاب، وحدت با جنبش  
میلیونی خلق، با اسلام مبارز بهره‌بری امام  
خمینی و حل مسائل و کمبودها در این چهار  
چوب است و هرگونه جبهه‌باز کردن علیه اسلام  
مبارز و جنبش میلیونی خلق تحت هر پرچمی  
بغایت نادرست بوده و باید مورد انتقاد قرار  
گیرد.

### گزارشات کوتاه

حدود ۶۰ روز پیش محصلی به نام حسین  
هاشمی در دره شهر از شهرهای ایلام با گروهیان  
حبیبی مشاجره می‌کند. گروهیان با قرار قبلی  
۳ پاسدار را احضار کرده بود تا در صورت در  
گیری، آنها حساب حسین را برسدند.  
یکی از اقوام حسین به نام خیر الله  
هاشمی سر می‌رسد و سعی می‌کند حسین را با  
گروهیان به زندان‌بری ببرد و در آنجا به دعوا  
خاتمه دهد. در این هنگام گروهیان حبیبی  
دستور ایست و بلا فاصله دستور آتش می‌دهد.  
پاسداران شروع به تیراندازی کردند و خیرالله  
مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و جان میسپارد.  
بستانان مقتول و جمعی از اهالی در صدد انتقام  
خون خیر الله بر می‌آیند که با میانجیگری  
عده‌ای دعوا موقتا متوقف می‌شود.

اما گروهیان نامبرده جریان را به ایلام  
خبر می‌دهد و تقاضای کمک می‌کند. شبانه ۲۰  
پاسدار به منطقه اعزام می‌شوند و در کوه‌های  
اطراف و ژاندارمری سنگر بند می‌کنند. اهالی  
با خونسردی به دادگستری شکایت کرده و  
خواستار رسیدگی به اوضاع می‌شوند. فردای آن  
روز باز پرس به منطقه می‌آید و با مشاهده وضع،  
اعمال گروهیان حبیبی را نا صحیح دانسته و  
او را سرزنش می‌کند. ولی پاسداران می‌گویند  
در صورت تعقیب گروهیان ما همگی از کارکناره  
گیری می‌کنیم.

بهر حال تا کنون به پرونده مذکور  
رسیدگی نشده است و ما اهالی می‌خواهیم  
بدانیم که مساله قتل یک آدم و به‌طور کلی این  
پرونده چگونه شده و چرا مسئولین اقدامی  
نمی‌نمایند؟

با تقدیم احترام  
۲ آبان از طرف عده‌ای از اهالی دره شهر  
شیراز  
بدعوت عده‌ای از زندانیان سیاسی و خانواده  
های آنها روز چهارشنبه ۹ آبان اجتماعی در  
فلکه ستاد تشکیل شد.

اجتماع کنندگان خواستار اعدام نوری محمد  
آرمان شکنجه‌گر معروف ساواک بودند که یک‌ماه  
پیش حکم اعدامش صادر شده است. نماینده‌های  
از طرف دادگاه انقلاب اسلامی در جواب  
خواستهای تظاهر کنندگان گفت که ما آمده‌ایم  
به وضع دادگاهها رسیدگی کنیم و قول داد  
که به مسائل مطروحه در این دادگاهها مانند  
مسائل دهقانان، پرونده ساواکیها و .....  
رسیدگی شود. او گفت که احکام اعدام بعلت  
اوضاع حساس مملکت متوقف شده است و ادامه  
داد. ما می‌دانیم که تقاضاهای شما مشروع و  
بحق است ولی چرا این خواسته‌ها را که میشود  
از طریق اعزام نماینده مطرح کرد، از طریق  
تظاهرات مطرح کنیم و اضافه کرد ما باید احکام  
دادگاه را اجرا کنیم چون ما با شهدا پیمان  
بسته‌ایم و با پشتوانه ملت هم آنها را اجرا  
خواهیم کرد.

یکی از زندانیان سیاسی نیز در این اجتماع  
صحبت کرد. او گفت با وجود پرونده‌های  
زیادی که در دادگاه انقلاب در مورد روحانی  
نماها موجود است ولی هیچگونه عکس‌العملی  
در مورد آنها صورت نمی‌گیرد. او اشاره کرد که  
عده‌ای در دادگاه انقلاب اسلامی می‌گویند  
تصفیه این روحانی‌نماها بعلت داشتن پایه  
توده‌ای بین مردم، باعث شلغونی و درد سر  
خواهد شد. در حالیکه این دلائل غلط است  
و تصفیه انقلابی خائنین مورد تأیید تمام مردم  
است و اینکه توده مردم را ناآگاه قلمداد کنیم  
و به آنها تکیه نکنیم بسود ضد انقلاب خواهد  
بود.

در این اجتماع یک مادر زندانی سیاسی نیز  
صحبت کرد و ضمن پشتیبانی از رهبری انقلاب  
خواهان اعدام شکنجه‌گران ساواک و بخصوص  
محمد آرمان شد.  
در آخر قطعنامه‌ای تنظیم گردید که در آن  
خواهان اجرای فوری احکام دادگاه انقلاب و  
تصفیه انقلابی عناصر وابسته در دادگاه انقلاب  
شیراز شدند.

### بیست و پنجمین

با امپریالیسم فرانسه معتقد بود که الجزیره  
یکی از استانهای داخلی فرانسه است. برای این  
اساس این دار و دسته نه تنها از انقلابیون  
الجزایری پشتیبانی نکردند، بلکه علنا از دولت  
فرانسه حمایت کردند. خسرو شچف در اکتبر  
۱۹۵۵ (۱۱ مهر ۱۳۳۴) در جواب سؤال  
خبر نگاران فرانسوی درباره فرانسه و انقلاب  
الجزایر گفت: "من همواره در نظر داشته و  
دارم که شوروی در امور داخلی کشورهای دیگر  
دخالت نمی‌کند" و باین ترتیب انقلاب الجزایر  
را یکی از مسائل داخلی فرانسه اعلام کرد.  
او همچنین در مارس ۱۹۵۸ (۶ فروردین  
۱۳۳۷) در مصاحبه با روزنامه فیگارو فرانسه  
بار دیگر در مورد انقلاب الجزایر اعلام کرد،  
که "ما نمی‌خواهیم فرانسه ضعیفتر شود، بلکه  
مقصود ما این است که قوی‌تر شود".

به دنبال دستور العمل ارباب درکولین  
حزب "کمونیست" فرانسه وابسته به روسیه  
نیز خواستار حق تعیین سرنوشت الجزیره در  
چار چوب جمهوری فرانسه "گردید.  
تمام این توطئه‌ها همراه با سرکوب دولت  
استعماری فرانسه، به همت مردم استقلال طلب  
و آزادیخواه الجزایر با شکست روبرو گشت.

امروز الجزایر ۲۵ امین سالگرد انقلاب  
خود را جشن می‌گیرد. از طرفی سوسیال  
امپریالیستهای روس و امپریالیستهای غرب سعی  
می‌نمایند این کشور را از لحاظ نظامی و اقتصادی  
وابسته به خود کنند، و این کار را با نفوذ  
تدریجی به پیش می‌برند. از طرف دیگر خلق  
استقلال طلب و مبارز الجزایر همچنان کوشش  
می‌کند تا سنن انقلابی خود را که زمانی الهام  
دهنده خلق‌های تحت ستم جهان بود، همچنان  
حفظ نموده و انقلاب را ادامه دهد.  
ما سالگرد انقلاب الحزبان را به خلق  
قهرمان این کشور تبریک می‌توانیم و اعتقاد  
داریم خلق الجزایر در مبارزه برای ادامه و  
تعمیق دستاوردهای انقلاب، پیروز خواهد بود.

### تبعیض بین قصابان را از میان بردارید

در تهران ۹۵۰ مغازه قصابی وجود دارد  
که متعلق به ۷۵۰ نفر اعضای اتحادیه صنف  
دارندگان دکان گوشت گاوی است. شهر ۵  
میلیونی تهران روزانه به ۱۷۰ تن گوشت گاو  
نیاز دارد که باید بوسیله سازمان گوشت کشور  
در اختیار این مغازه‌ها قرار داده شود.  
بر طبق ضوابط رژیم شاه مغازه داران  
کوچک همواره تحت ستم چندگانه سازمان گوشت،  
دست اندر کاران عمده، اتاق اصناف و ....  
بودند. مثلا بر طبق این ضوابط روزانه به هر  
مغازه ۲ تا ۴ سهم ۳۰ تا ۴۰ کیلو می‌دادند  
که با پارتی بازی، بیشتر آنها بدست بادمجان  
دور قاب چین‌ها و بازار سیاهی‌ها می‌رسید.  
امروز هم هنوز این ضوابط کاملا دگرگون نشده  
است و گوشت بطور مساوی و عادلانه به قصابها  
داده نمی‌شود.

از ۷۵۰ دکاندار قصابی تهران ۷۰۰ نفر  
یک مغازه دارند که خودشان فروشنده هم هستند  
و بقیه بیش از یک مغازه دارند و مثلا ۱۰ نفر

### سالی میلیونها

می‌کنند و طوری وانمود میکنند که انگار مردم باید  
از آنها ممنون باشند!  
نتیجه این معامله خیانت بار رژیم شاه با  
روسها چه بوده؟ آیا کمکی به رشد اقتصادی  
ما کرده است؟ روسها دوباره بی‌بهره ما دادها ند  
که روزی یک میلیون تومان ضرر میدهد و بهانه  
شده است برای فروش لوازم یدکی شان و فرستادن  
مستشاران روسی به ایران. و از طرف دیگر در  
مقابل، گاز ما را بفارغ‌توان می‌برند و نتیجه این معامله  
سالی ۱۰ میلیارد تومان ضرر است.  
باید به این غارت و بهره‌کشی امپریالیستهای  
روسی خاتمه داد. قرارداد گاز ایران و روسیه باید  
مورد تجدید نظر قرار گیرد، مستشاران روسی  
ذوب آهن باید اخراج شوند و از محل فروش آن  
و گاز در بازار بین‌المللی برای ایجاد صنعت ذوب  
آهن مسفل و متکی بحدود استفاده شود.

### بزرگ ملی متشکل از سه نیروی اصیل اجتماعی

فوق‌الذکر ادامه خواهیم داد.  
خط سیر راستین انقلاب، وحدت با جنبش  
میلیونی خلق، با اسلام مبارز بهره‌بری امام  
خمینی و حل مسائل و کمبودها در این چهار  
چوب است و هرگونه جبهه‌باز کردن علیه اسلام  
مبارز و جنبش میلیونی خلق تحت هر پرچمی  
بغایت نادرست بوده و باید مورد انتقاد قرار  
گیرد.

### از اقدام

افتادن رژیم منفور شاه در ایران مداخله نظامی  
نماید. همچنین طبق فصول ۵ و ۶ قرار داد  
ایران و شوروی، در صورتی که منافع روسیه در  
ایران به خطر بیفتد این ابرقدرت امپریالیستی  
مجاز به مداخله نظامی در ایران خواهد بود.  
خواست مردم ما این بود که این دو  
قرار داد اسارت تبار استعماری که وجود آنها  
تهدید مستقیمی برای استقلال و تمامیت ارضی  
میهنمان است هر چه زودتر لغو شود.  
لغوا این قراردادها از طرف شورای  
انقلاب گام بزرگی در ادا مـــ  
انقلاب ضد امپریالیستی خلق‌های ما  
و دست آورد دیگری برای تحکیم  
استقلال میهن عزیزمان است.  
ما از این تصمیم انقلابی شورای  
انقلاب قویا پشتیبانی کرده و لـــ  
این دو قرار داد را به خلق‌های ایران  
تبریک می‌گویییم.

# ★ رنجبر و خوانندگان ★

روزنامه‌های طرفدار امپریالیسم روساروپا هم به دارودسته‌های امپریالیستهای غربی پیوسته و علیه انقلاب اسلامی ایران دست به لجن‌پراکنی می‌زنند.

نامهای داریم از دوستی بنام م. تقی‌پور از فلورانس (ایتالیا) که همراه با دو بریده‌روزنامه است. بریده‌های اول (که عکس آنرا در اینجا می‌بینید) متعلق به روزنامه "پائزه‌سرا" روزنامه باصطلاح "چپ" ایتالیائی است که تحت نظر طرفداران شوروی در ایتالیا منتشر میشود. این نشریه طرفدار روس‌های حمله به انقلاب اسلامی ایران دست به جعل بزرگی زده و تحت عنوان وقایع مهاباد و برای تبلیغ علیه انقلاب ایران،

عکس زیر را (در شماره ۴ سپتامبر خود) به وقایع مهاباد نسبت داده است، در صورتیکه این عکس مربوط به وقایع نقه‌در ۱۵۰ روز قبل از آن است.

دوست نویسنده نامه برای اثبات این امر بریده کیهان‌هوائی (دوم ماه می ۱۹۷۹) را نیز ضمیمه کرده است.

تبلیغات عمال روسیه در خارج ایران علیه انقلاب ما واقعیتی است که عمال روسیه در ایران و مدافعین آن نمیتوانند انکار کنند و روزنامه "مردم" هم با چاپ عکس امام و اعلام "حمایت ظاهری کسی را نمیتواند بفریبد. مردم به واقعات نگاه می‌کنند نه تبلیغات مدافعین روسیه.



corpi di alcuni curdi uccisi in una delle città occupate nei giorni scorsi dalle truppe di Khomeini. Si teme che a Mahabad avvenga lo stesso

تفرقه افکن نمی‌تواند با علم کردن این یا آن شخصیت و این یا آن مسئله به منظور بهره‌برداری سیاست بازانه، توده‌ها را آلت دست جاه‌طلبی کهنه کاران - که ظاهرآ تازه می‌خواهند یا امپریالیزم وارد معامله شوند - قرار دهد. احزاب و روزنامه‌های بی‌اصول، فریفته استقبال موقت‌آیین با آن گروه از حرف‌های موسمی خود نشنودند. مگر اینکه گفته شود می‌خواهند جای خالی مرحوم آبنندگان را پر کنند اما امام قاطعانه فرمود: (من توی دهان توطئه کران می‌زنم) ملت هم اگر تا کنون دودوزه‌بازان را کاملاً سنساخته دیری نخواهد کشید که عملاً توی دهان انحصار طلبان ظاهر الصلاح از طرفی و تفرقه افکنان دلال امپریالیزم از طرف دیگر خواهد زد.

برای یک حکومت پایدار و وحدت مسلمانان مبارز و ناسیونالیست‌های واقعی و کمونیست‌های صادق باید عملی گردد. و (یلداش و قارداش) با بی‌اصولی در هیچ ردیفی جا نمی‌گیرد.

با دروهای گرم - سعید سرابی راد

★ ضمن درود و سلام من می‌خواستم در جواب نامه خانم توران - ع (از کردستان) که در شماره ۳۰ رنجبر درج شده بود چند کلمه‌ای بنویسم و شما در صورت امکان آنرا چاپ بفرمائید.

شما خانم عزیز که با غرور هر چه تمامتر اعلام می‌کنید که ایرانی هستید و دست هیچ خارجی در بین نیست، شما به این حرف فکر می‌کنید که آبروی خودتان را بیشتر بریدید و گفتاید که ما و رهبران مترقی ما از روحانی که حسینی باشد تا سیاسی که قاسملو باشد واقعا حجلت دارد.

شما فکر می‌کنید این قدر خود مختاری مهم است که حتی حاضرید کشورتان را به خطر بیندازید. رهبران شما به گفته خودتان واقعا هم مترقی هستند، تا جایی که به پای رژیم شاه رسیدند و به بیمارستان هم حمله کردند... شما از کار خودتان شرم نمی‌کنید و باز هم با غرور اعلام می‌کنید که تمام کشتارها کار خودتان است و دست هیچ خارجی در بین نیست.

می‌خواهم ببینم چطور رهبران انقلاب برای دوره اختناق که رهبری می‌کرد تا شما و ما را از بند این ازدهای وحشتناک رهایی بخشند خوب بود و شما کردها از او پشتیبانی میکردید. حالا چطور شد که رهبر و دولت همه بد شدند؟

اگر شما واقعا ایرانی بودید هیچ وقت حاضر نمی‌شدید که به کشتار برادر خود دست بزنید. در باوه - سنندج و در کرمانشاه و بقیه نقاط چه کسی به کشتار دست زد؟ چرا شما به جای زبان از گلوله استفاده کردید؟ فکر نمی‌کنید به این معنی باشد که هیچ احساسی نسبت به وضع ایران ندارید و برایتان بی تفاوت است؟ من که این چنین فکر می‌کنم.

تهران: فرح - ص

\* رنجبر: خانم فرح - ص، ضمن اینکه

بلکه با حرارت و شور بیشتری پیگیری شد. راست است که اگر ده بار هم با سر به دیوار بکوبی هر دفعه یک جور نتیجه می‌گیری بلکه بدتر - باید زیر دیوار را خالی کرد. رژیم شاه در برابر اینها و بهیچانه تأمین امنیت مملکت میلیاردها ریال بیهوده خرج ساواک و ارتش شهربانی می‌کرد و مجوزی برای خریدهای سرسام آور اسلحه از آمریکا بدست می‌آورد.

روبرو شدن مردم با رژیم (شروع انقلاب) با حمله زاندارمری و پلیس در خارج از محدوده تهران و توهین به امام خمینی و تظاهرات قم و تبریز شروع شد و شکل گرفت (کشته شدگان قم و تبریز را میتوان پیشاهنگان انقلاب خونین ایران دانست).

فداکاریان خلق نتوانستند خود را با خط مشی انقلاب تطبیق دهند. نه پیشرو و پیشاند شدند و نه پیروی می‌کنند و نه نتوانستند خودشان را در میان امواج خروشان مردم بر بزنند و به قول معروف مانند ماهی در آب حفاظ و پوششی برای خود تهیه کنند. و به دلیل نداشتن رابطه نزدیک با توده‌ها از مسیر حرکت انقلابی خارج شدند. گاه حرکتی میکنند که حتی از یک بورژوا - انقلابی هم بعید است. در کردستان به یاری قاسملوی معلوم الحال و فتودالیهای منطقه می‌شتابند. آیا با این اعمال در طول مبارزه پاکیزه می‌شوند یا به نفع امپریالیسم تمام می‌شوند احتیاجی به توضیح ندارد. در حادثه آفرینیهای شمال (بندر انزلی) شرکت می‌کنند. در واقع زمینه را برای ضربه زدن نیروهای راست افراطی و تشریف فرمائی منجی آماده می‌کنند.

همه می‌دانیم راست و چپ افراطی آب به یک آسیاب می‌ریزند و آن آسیاب امپریالیسم است.

با آرزوی موفقیت  
"علی بجنوردی"

## ● شوروی

ویتنام به سرعت افزایش یافت و به زودی از مرز ۴۰۰۰ نفر هم تجاوز کرد. ویتنام در خلیج کامبوج "پایگاهی در اختیار شوروی گذاشت که از همین زمان مورد استفاده ارتش شوروی قرار گرفت. لشکرهای جدیدی به ارتش ویتنام اضافه شدند. نیروهای نظامی ویتنام که تا این موقع به ۲ میلیون نفر رسیده بود به سرعت به ۶ میلیون نفر یعنی یک هشتم جمعیت ویتنام بالغ گردید. (رجوع شود به کتاب "کامبوجیا گورستان اشغالگران ویتنام" صفحه ۱۱). در مهر ماه ۱۳۵۷ ویتنام رسماً به شورای تعاون متقابل اقتصادی (کمون) پیوست. در اواسط آبان ماه همین سال رهبران ویتنام یعنی لو دوان، فام وان دوگ و گروهی دیگر به مسکو رفتند و عهدنامه‌ای با سوسیال امپریالیست‌ها امضا کردند که پیمان دوستی و همکاری نام داشت و هسته مرکزی آن یک قرار داد نظامی دو جانبه بود. بر طبق این عهد نامه روسیه از جمله متعهد شد که تعدادی میگ‌های ۲۳ که از پیشرفته‌ترین هواپیماهای شوروی بودند و دو کشتی ۲۰۰۰ تنی در اختیار ویتنام بگذارد.

در روز ۱۲ آذر ۱۳۵۷ رهبران ویتنام اعلام کردند که سازمان جدیدی به نام "جبهه متحد ملی برای نجات کامبوج" تشکیل گردیده است. بلافاصله بعد از این اعلام موجودیت، خبرگزاری تاس خیبر آن را بخش کرد و اعلام نمود که "نیروهای انقلابی و وطن پرست کامبوج برای نجات ملی به پا خاسته‌اند". این سازمان جدید را سه کشور روسیه، ویتنام و آلمان شرقی بلافاصله به عنوان "نماینده قانونی خلق کامبوج" به رسمیت شناختند.

روسی به کامبوج آغاز شد. هر روز ۳۵۷ ۴۰ هواپیمای نیروی هوائی ویتنام به بمباران کامبوج پرداختند و ۱۲ لشکر از چهار سو از جنوب شرقی، شرق، شمال شرقی و از شمال به خاک کامبوج هجوم بردند. دولت ویتنام با کمال وقاحت این لشکر کشی را زیر پرچم "جبهه متحد ملی برای نجات کامبوج" که خود ساخته و پرداخته بد اندام داده و ادعا کرد که "جبهه متحد ملی"

## ★ سر دبیر محترم نشریه رنجبر

ضمن قدر دانی از زحمات شما خواستم در مورد نامه هائی که در شماره ۳۰ رنجبر درباره کردستان از طرف خوانندگان منتشر کرده بودید صحبت کنم. غالباً ما نیز با سئوالها و برجسب‌هایی که در این نامه‌ها مطرح شده بود برخورد می‌کنیم و این سئوالات از ما می‌شود منتهی چون آگاهیمان به آن اندازه نیست و ضمناً خودشان نیز قصد جنگ اعصاب دارند و مقصودشان قانع شدن و یا یاد گرفتن نیست، بنابراین ساعتها وقتان صرف بحث و در آخر سردعوا و چانه زدن می‌شود. در حالی که شما در رنجبر شماره ۳۱ به طور واضح و روشن این مسائل را شفافیتید و ایراد گیرها و بهانه جوها دیگر نمی‌توانند حرف زیادی بزنند. من خوشحالم از اینکه تمام نامه‌ها و مطالب را بدون سانسور چاپ می‌کنید و واقعا هدف شما آگاهی توده‌هاست و گذاشتن راه حل پیش‌پای مردم است و تا حد امکان مشکلات و دردهای مردم را باز می‌کنید و سعی می‌کنید تا حد امکان کمکی اگر چه کمک فکری بکنید. من از طرف خودم و دوستانم نهایت تشکر را داریم و امیدواریم که نشریه رنجبر همیشه این چنین منعکس کننده خواسته‌ها و دردهای مردم باشد.

از دوستاناران شما روز احمدی

(اردبیل)

★ رنجبر - نامه دیگری داشتیم از ارومیه، از خواهی که اسمشان را "مهناز خمینی خواه" امضا کرده‌اند و با تأیید موضع گیری های "رنجبر" درباره مسئله کردستان به ویژه پاسخ به سه نامه از کردستان (رنجبر - ۳۰) پشتیبانی خود را از امام و دولت آقای بازرگان اعلام کرده و دو ابر قدرت را مسبب اصلی حوادث کردستان معرفی کرده‌اند.

ویتنام به سرعت افزایش یافت و به زودی از مرز ۴۰۰۰ نفر هم تجاوز کرد. ویتنام در خلیج کامبوج "پایگاهی در اختیار شوروی گذاشت که از همین زمان مورد استفاده ارتش شوروی قرار گرفت. لشکرهای جدیدی به ارتش ویتنام اضافه شدند. نیروهای نظامی ویتنام که تا این موقع به ۲ میلیون نفر رسیده بود به سرعت به ۶ میلیون نفر یعنی یک هشتم جمعیت ویتنام بالغ گردید. (رجوع شود به کتاب "کامبوجیا گورستان اشغالگران ویتنام" صفحه ۱۱). در مهر ماه ۱۳۵۷ ویتنام رسماً به شورای تعاون متقابل اقتصادی (کمون) پیوست. در اواسط آبان ماه همین سال رهبران ویتنام یعنی لو دوان، فام وان دوگ و گروهی دیگر به مسکو رفتند و عهدنامه‌ای با سوسیال امپریالیست‌ها امضا کردند که پیمان دوستی و همکاری نام داشت و هسته مرکزی آن یک قرار داد نظامی دو جانبه بود. بر طبق این عهد نامه روسیه از جمله متعهد شد که تعدادی میگ‌های ۲۳ که از پیشرفته‌ترین هواپیماهای شوروی بودند و دو کشتی ۲۰۰۰ تنی در اختیار ویتنام بگذارد.

را نیز باید افزود و یا شاید در یکی از این چهار عامل مستتر است منتها باید بیشتر شکافته شود که من فکر می‌کنم خیلی از آشننگی‌های موجود جامعه ایران نتیجه این عامل است و آن موجود بودن عناصر واقعا " ارتجاعی رژیم گذشته و عناصر طرفدار روس در اکثر ارگانهای مملکتی می‌باشد که به هیچ وجه تصفیه نشده‌اند و یا اگر شده‌اند بسیار ناقص بوده است .

رفقای عزیز ، انحصارطلبان چه می‌خواهند و هدفشان چیست ؟ مگر جز این است که همه چیز را می‌خواهند فدای ایدئولوژی خود بکنند ؟ مگر جز این است که می‌خواهند همه مردم را بهر شکل حتی با زور یا خود داشته باشند ؟ انعکاس این سیاست بسیار نادرست شاید در محیط دانشگاه و سایر محیطهای روشن فکری تأثیر زیاد و قابل لمس داشته باشد . ولی از شما سؤال می‌کنم در محیط کارخانه‌ای که کارگران در فکر چگونه راه افتادن چرخ کارخانه می‌باشند ، تیلور این سیاست انحصارطلبی چه می‌باشد ؟ آیا اخلاص و توطئه در کار کارخانه نیز کار انحصارطلبان می‌باشد ؟ نه بنظر من چنین نیست و با واقعیات تطابق ندارد . چون از این اخلاص چیزی نصیب انحصارطلبان نمی‌شود و خواست آنها را برآورده نخواهد کرد . عناصری که دست به این گونه کارها می‌زنند عناصر کاملا ارتجاعی ذکر شده بالا می‌باشند که به شکلهای مختلف در ارگانهای اجرائی نفوذ دارند .

زمانی که کارخانه‌ای واقع در شهر رشت (ایران پوپلین) تمام دستگاههای ریسندگی و بافندگی آماده می‌باشد و برای راه افتادن چرخ کل کارخانه ۱۶۷ میلیون تومان و یا حداقل یک بخش کارخانه فقط ۱۵ میلیون تومان بودجه احتیاج دارد و با بکار افتادن این کارخانه که قادر است ۳ الی ۴ هزار کارگر را در خود جای بدهد ، چه عاملی باعث می‌شود که این بودجه تأمین نشود ؟ و چرا کار کارخانه لنگ مانده است ؟ و حال آنکه دولت حدود ۲۵۰ میلیون تومان بودجه در اختیار هیات مدیره این شرکت در تهران قرار داده است ( به گفته شورای کارخانه ) . چرا کاری که اینقدر ساده بنظر می‌رسد و میتواند مشکل کلیه کارگران بیکار این شهر را که مدت ۱۶ روز است در " نیروی انسانی " بخاطر پیدا کردن یک لقمه نان متحصن شده‌اند حل کند ، انجام نمی‌گیرد ؟

این کارخانه فقط یک نمونه است . نمونه‌های مشابه این بسیار زیاد است . و در همه جا کارکنی ها و اخلاص گری‌ها توسط عناصر مسئول که بصورت هیات مدیره و یا مدیرعامل می‌باشند انجام می‌گیرد . نمونه‌های دیگر را میتوان در واقع انزلی و یا آب و برق رشت مشاهده نمود . با این توضیحات و آوردن چند نمونه ، از رفقای سازمان می‌خواهم که در مورد این مسئله تحقیق و بررسی بیشتر بعمل آورند و در صورت

مبارزه با امپریالیزم جهان‌خوار آمریکا و روس است .

آیا به نظر عجیب نمی‌رسد که یکی از سردمداران سابق و فعلی ( دموکرات فرقه‌سی ) که ضمنا وکیل مبرز دادگستری و در واقع عمری مدافع سرمایه داران خر پول در برابر دهکاران زمین خورده بوده است و از موضع ( پول ) بی پول را به زندان انداخته به اتفاق و اخوردگان ... همپالگی‌های بختیار به اتفاق قلم به مردان دو دوزه بازی که سند دستمال به دستی ، نشان در برابر هویدا ها و داریوش همایونها و گیانیورها چون نگینی می‌درخشند ! جمع شوند و طی سه ماه صد و هشتاددرجه چرخیده از مواضعی به حکومت اسلامی و در واقع به شخص امام خمینی بتازند که سه ماه پیش از این خودشان پیشنهاد می‌کردند همان برنامه‌ها عملی شود . توضیح می‌دهم :

همان کسی که به طور بلا شرط گفت ارتش باید تقویت شود ، همان کسی که به طور بلا شرط گفت سرمایه در اسلام محترم است ، همان کسی که صریحا به دادگاههای انقلابی اوائل انقلاب حمله کرد که چرا کسی را به جرم ریاست دادگاه نظامی شه فرموده اعدام می‌کنند " در حالی که او هم کارمندی بوده مثل کارمند سجل احوال و اداره گذر نامه ! " حالا در شماره بیست و نهم مهر ۵۸ ( خلق مسلمان ) به حکومت اسلامی می‌تازد که چرا میلیتاریسم تقویت می‌شود - چرا ساواکی‌ها را دسته دسته آزاد می‌کنند - چرا افسار سرمایه‌دارها رها شده است چرا " چپ " ها را در کردستان تیر باران می‌کنند .

آقایان ! در اثر فشار شما ها بود که خلخال کنار گذاشته شد و آذری قمی که حالا برایش اعلام جرم می‌نویسید روی کار آمد . در اثر فشار شماها بود که ساواکیها و گاردیها را گله گله رها کرده‌اند که بروند در کردستان پایگاه سرخ دهقانی ! درست کنند . آخر چطور می‌شود باور کرد میلیونرهای ... ، ضد سرمایه دار شده‌اند چطور می‌شود باور کرد وکلای عدلیه درجه یک که سالهاست به شرکت‌های عارنر داخلی و خارجی صادقانه خدمت میکنند خواستار جامعه بی طبقه توحیدی هستند ؟ ! سو استفاده از احساسات پاک پیروان حضرت آیت الله شریعتمداری و گذاشتن به حساب حمایت از ائتلاف ( پلداش و قارداش ) نه به نفع اسلام است و نه آبی برای شما گرم می‌شود . ملتفت باشید !

ملت ایران ضمن اینکه تمام کمبودها و نواقص را می‌داند و حل مشکلات را مصرا نه از حکومت اسلامی طلب می‌کند ، اما با هر نظریه و عقیده‌ای در حمایت از مواضع مردمی و سازش ناپذیر و ضد امپریالیستی شخصی امام خمینی هم عقیده‌ایم و هیچ گروه انحصار طلب و یا

تهران - فرج - ص : \* رنجبر : خانم فرج - ص ، ضمن اینکه احساسات شما در مبین پرستی و دفاع از انقلاب قابل تقدیر است و به درستی توطئه‌های امپریالیستی در کردستان را درک کردید ، اما به عقیده ما مساله مهمی که در نامه شما به آن اشاره نشده ، احساسات و موقعیت خلق کرد و تحت ستم بودن آنهاست .

باید توجه کنیم که حساب دار و دستمه قاسملو و امثال او از حساب خلق کرد جداست . خلق کرد واقعا مبین پرست است ، تجزیه طلب نیست و نمی‌خواهد به انقلاب لطمه زند . دولت به طور جدی در مورد مسائل خلق کرد کوتاهی کرده و همین امر باعث شده که شاید بخشی از توده‌های خلق کرد فکر می‌کنند که رهبران فعلی حزب دمکرات نجات دهنده آنها هستند .

☆ روزنامه " محترم رنجبر "

در شرایط خفقان و دشوار رژیم گذشته طبقه کارگر و بیسره ور و دهقان و زحمتکشان شهری در زیر فشار و تسلط شدید ساواک و ارتش و شهرتانی بر زندگی و آذنان ، دچار تکروری ، بد بینی ، نا امیدی حتی ترس از رفیق و یار و برادر ، نتوانسته بودند تماشای چندانی با سازمانهای انقلابی پیدا کرده و آموزش سیاسی ببینند . این شرایط با دلایلی دیگر از قبیل ماجراجویی ، اعتقاد نداشتن واقعی به توده‌ها کیی برداشتن از انقلابهای دیگر سبب شده بود که سازمانهای انقلابی به عملیاتی از قبیل جنگ مسلحانه و ترور و غیره دست بزنند و به خیال خودشان می‌خواستند با چهار پنج گلوله انبار باروت خلق را منفجر کرده و به عنوان پیشتاز و پیشاهنگ توده‌ها انقلاب را رهبری کنند .

کسانی که در سباهک جنگ مسلحانه را شروع کردند خیال می‌کردند که با رسیدن بوی باروت به مشام روستائیان ، موج موج جمعیت از شمال و جنوب به حرکت در می‌آیند و در تهران به هم رسیده در میدان توپخانه نان و کورسگی را به تساوی تقسیم می‌کنند ! ولی واقعیت چیز دیگری را نشان داد ، نه تنها حرکتی آغاز نشد بلکه خود آنها هم توسط روستائیان دستگیر و با وجود جوانمردیشان یعنی اسلحه نکشیدن به روی روستائیان به ساواک تحویل داده شدند . چرا ؟ آنان برای خلق می‌جنگیدند این چه پاداشی بود که از دست خلق گرفتند ؟ !

( بگذریم از اینکه این حرکت و اعمال بعدی در محافل روشنفکری بحث روز شده و ناپدید می‌شد ولی این کار برای روشنفکران کاباره نشین نبود او خود لنین و مائو و قیدل کاسترو را می‌ساخت و با هر جرعه آبجویش سه بار انقلاب می‌کرد ) . این بسبب نه تنها ترک نشد

پردا حسند و ۱۲ نسر از چهار سوا جنوب برقی ، شرق ، شمال شرقی و از شمال به حاد کامبوج هجوم بردند . دولت ویتنام با کمال وقاحت این لشکر کشی را زیر پرچم " جبهه متحد ملی برای نجات کامبوج " که خود ساخته و پرداخته بود انجام داده و ادعا کرد این " جبهه " ( بعد از گذشت تنها ۲۲ روز ) توانسته است صاحب نیروی هوایی ، زره پوش و ۱۲ لشکر مجهز شود ! ( رجوع شود به کتاب " کامبوجیا ... " صفحه ۱۲ ) .

دولت جمهوری دمکراتیک کامبوج که دارای ارتش کوچکی بود در موقع حمله همه جانبه ارتش ویتنام تصمیم گرفت تا از شهرها به روستاها عقب نشینی کند و دست به یک جنگ توده‌ای دراز مدت فرسایشی بزند . باین طریق بود که یک نیروی صد هزار نفری ارتش ویتنام توانست برق آسا شهرهای خالی کامبوج و از جمله پنوم پن پایتخت آن را تصرف کرده ( ۱۲ دی ۱۳۵۷ ) و اعلام نماید که دولت جدیدی در کامبوج بروی کار آمده است !

مسئله اشغال نظامی کامبوج توسط ارتش ویتنام بلا فاصله توسط سهیانوک رهبر سابق کامبوج در سازمان ملل متحد مطرح شد . از یازده کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل ، ۱۳ کشور تقاضا کردند که تجاوز ویتنام به کامبوج رسما محکوم گردد و ویتنام را مجبور کنند که ارتش خود را از کامبوج خارج کند . دو کشور مخالف و چکسلواکی و شوروی بودند . دولت شوروی که وضع را خطرناک دید بلا فاصله از حق و توی خود استفاده کرد و طرح محکوم کردن تجاوز ویتنام را وتو نمود . و بعد از آن نیز هر بار که مسئله تجاوز ویتنام به کامبوج مطرح شد دار و دسته برونفسکا سیگین توسط نوکران شان در اروپای شرقی و مناطق دیگر جلوی پیشرفت کار را در سازمان ملل گرفتند . موفقیت ارتش ویتنام در اشغال سریع شهرهای بزرگ کامبوج چنان رهبران ویتنام را مغرور کرد که در صدد تصرف قسمتهایی از خاک چین هم برآمدند . رهبران ویتنام مکررا از یک جنگ در مقیاس وسیع علیه چین صحبت می‌کردند . آنها اعلام کردند که جنگ با چین " از طرف کلیه کشورهای جهان " به عهده آنها گذاشته شده است . افسران ویتنامی اعلام می‌کردند که آنها از پشتیبانی شوروی بر خوردارند و همان طور که کامبوج را شکست دادند ارتش چین را هم شکست خواهند داد ( رجوع شود به مجله یکن ریویو شماره ۱۶ مارس ۱۹۷۹ ، صفحه ۲۰ ) .

تحریکات و حملات مکرر نیروهای نظامی مرزی ویتنام به دهات و پاسگاههای مرزی چین بالاخره منجر به جنگ محدودی شد . ارتش چین با شکست دادن ارتش ویتنام و اشغال موقتی بخشی از خاک ویتنام رویای " سومین ارتش مقتدر جهان " را که ویتنامی‌ها برای خود خلق کرده بودند از میان برد و موقتا جلو پیشرفت نقشه‌های توسعه طلبانه سوسیال امپریالیستهای روسیه را در جنوب شرقی آسیا گرفت .

باین طریق خلق قهرمان ویتنام که با دست زدن به یک جنگ آزادی بخش چند ده ساله و در هم شکستن بزرگترین ارتشهای امپریالیستی تاریخ حماسه آفریده بود ، در اثر عدم هوشیاری و خیانت عده‌ای از رهبران ، خود گرفتار دام شیطانی سوسیال امپریالیستهای روسیه شد و وسیله‌ای برای پیشبرد مقاصد توسعه طلبانه آنها گردید .

● شروع فصل سوم ...

تأمین نیازهای اولیه ریستن و رفاهی آنان در درجه اول اهمیت قرار دارد . ایجاد واحدهای سکونی ارزان قیمت و تأمین آب ، برق و ایجاد بیمارستان ، دبیرستان و دبستان ، از جمله اقداماتی است که این گروه از زحمتکشان از دولت جمهوری اسلامی توقع دارند .

باید توجه داشت که برای حل نهایی مساله حاشیه نشینی ، باید عوامل اصلی بوجود آورنده آن از جمله مهاجرت روستائیان آواره به شهرها را از بین برد . برای این کار ، دولت انقلابی باید بجهت بهبود زندگی دهقانان کشور از طریق اجرای برنامه‌های انقلابی در زمینه حمایت از کشاورزان کمک نماید تا از این طریق هم روستائیان بعلت به صرفه بودن فعالیت کشاورزی در روستا بمانند و هم با بالا رفتن سطح تولیدات کشاورزی وابستگی کشور در زمینه مواد غذایی به امپریالیستها قطع و استقلال کشور بیش از پیش تأمین گردد .

رنجبر - ما در شماره های آینده گزارشهای دیگری درباره آلودگیها خواهیم آورد . از وضع آلودگی نشینان از شهرهای مختلف کشور را برای ما بنویسید .

هفته نامه  
خبر  
ارگان مرکزی سازمان انقلابی  
مدیر مسئول - علی حجت  
مدیر - فرامرز وزیری  
نشانی: خیابان مصدق ، پانزدهم تیر  
از میدان ولی عصر ، خیابان زمره  
پلاک ۷ تلفن : ۶۶۲۹۱۴  
نشانی پستی : تهران ، منصورق  
پستی ۱۴۰۱ - ۲۱۴  
مسئول چاپ

# گزارشات کوتاه

چهار

روز هشتم آبان ماه عده‌ای از معلمان که در روستاها تدریس می‌کرده‌اند و حالا بیگار شده‌اند جلوی اداره آموزش و پرورش تحصن کرده‌اند. تقریباً تمام آنها دختر بودند. حوایی که سنده بودند این بوده است که دولت اداره آموزش و پرورش به‌سما هیچ احتیاجی ندارد. یکی از آنها مطرح می‌کرد که در بعضی روستاها یا بهتر است بگویم در اکثریت روستاها نهمدرسه‌ای است و نه معلمی. حال چگونه ممکن است آنها هیچ احتیاجی به‌ما نداشته باشند. ضمناً در همین روز عده‌ای محصل سال اول هنرستان رشته برق نیز تحصن کرده بودند. زیرا برای این سال تحصیلی کلاسهای شبانه وجود ندارد و آنها تصمیم گرفته بودند خود در یکی از مناطق حومه شیراز کلاس درست کنند.

اردبیل - در تظاهرات پشتیبانی امت از امام در اردبیل شرکت کننده در تظاهرات زیاد بود (در حدود ۵۰-۴۰ هزار نفر). این تظاهرات در مقایسه با تظاهرات گذشته از نظر شعار، محتوی سیاسی بسیار خوبی داشت و اغلب شعارها و پلاکارتهای محتوی کاملاً سیاسی داشتند. مثلاً یکی از شعارها این بود: "آمریکا، شوروی ننگ به‌نیرنگان خون شهیدان ما می‌چکد از چنگان در رابطه با کردستان شعار این بود: - نه سازش نه تسلیم عزالدین، قاسملو اعدام باید گردند.

- دیگری شعار در پشتیبانی از امام خمینی.  
- شعار ضد کمونیستی بندرت دیده می‌شد.  
- شرکت زنان در این تظاهرات بسیار زیاد بود.  
بقیه در صفحه ۶

# آتش سوزی تنها کتابفروشی شاهیندژ مردم ۲۵۰ تومان از کتابهای سوخته را خریدند

بود به مردم بیان می‌داد و پس از آن به‌کتابی در مورد حیدر خان ممو اوغلی که آنهم سوخته بود اشاره می‌کرد و می‌گفت آری این کتابها از این کتابها می‌ترسند از این افکار انقلابی هراس دارند.

صبح روز جمعه ۱۱ آبان بین ساعت ۶ و ۵ تنها کتابفروشی شهر شاهیندژ را یک عده ضد انقلابی معلوم الحال به آتش کشیدند. آنها شیشه کتابفروشی را شکسته و بروی میز که هفته نامه‌های مختلف چیده شده بود نفت ریخته و کتابفروشی را به آتش کشیدند.

صبح روز جمعه به هر کسی از اهالی شاهیندژ که برخورد می‌کرد می‌گفتند: عیب ندارد، کتاب فروشی را دو باره بره می‌اندازیم آنها همه می‌گفتند با آتش زدن چند کتاب که نمی‌شود جلوی تبلیغات راه حق و

انقلاب را گرفت. یک رحمتکی که از جلوی دکان رد می‌شد با دیدن معازنه نیمه سوخته گفت: "من که بولی ندارم ولی از دستم فقط این بر می‌آید که پول یک روز با کشتی با کاری خودم را به کتابفروشی شهرمان کمک کنم، این کتاب فروشی مال مردم است". مردم درهمین روز ۲۵۰ تومان از کتابهای سوخته را خریدند، همشهریان من ۴۵۰ تومان در عرض چند دقیقه به من کمک مالی دادند تا خسارات وارده را جبران کنم.

من ایمان دارم که با کمک مردم خوب شهرمان در کوتاهترین مدت کتاب فروشیمان را بره می‌اندازیم.

تنها کتابفروشی شاهیندژ آتش زدند. صاحب کتاب فروشی گزارشی تهیه کرده و برای ما فرستاده است.

صبح روز جمعه ۱۱ آبان بین ساعت ۶ و ۵ تنها کتابفروشی شهر شاهیندژ را یک عده ضد انقلابی معلوم الحال به آتش کشیدند. آنها شیشه کتابفروشی را شکسته و بروی میز که هفته نامه‌های مختلف چیده شده بود نفت ریخته و کتابفروشی را به آتش کشیدند. من صاحب این کتابفروشی، ساعت ۸ صبح از جریان با خبر شدم. قبل از رسیدن من مردم آتش سوزی را دیده و به خانه‌مان خبر داده بودند و با کمک مرد پدرو برادرم موفق به خاموش کردن آتش می‌شوند به طوری که به قفسه مقابل شیشه‌ها سرایت نمی‌کند.

وقتی که من به کتاب فروشی رسیدم حدود ۵ نفر از همشهریانم در جلوی دکان جمع شده بودند. آنها با نفرت و خشم می‌گفتند کسی که این کتاب فروشی را به آتش کشیده از افکار انقلابی می‌ترسد. مردم می‌گفتند عاملین این آتش سوزی کسانی بوده‌اند که کتابهای مترقی و انقلابی این کتاب فروشی ریشه‌هایشان را می‌کنند (ما در این کتاب فروشی کتابهایی از اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی داشتیم). یکی از همشهریان عزیز، قبل از اینکه من برسم نهج البلاغه‌ای را که نیمه سوخته

# شوروی و ویتنام (۲) کشوری امپریالیستی (۳۰)

بعد از مرگ هوشی مین رهبر بزرگ خلق ویتنام، دار و دسته برزف - کاسیگین موفق شدند که نفوذ منحوس خود را بتدریج در دولت ویتنام توسعه دهند. سایر رهبران حزب زحمتکشان ویتنام و نیز رهبران جنبش آزادی بخش ویتنام هوشی مین را نداشتند و به سیاست اتکا به نیروی خود چندان پایبند نبودند.

علاوه بر این گروههایی از این رهبران گرایش‌های ملی گرایی افراطی داشتند و خواستار تشکیل کشور هند و چین (مرکب از ویتنام، لائوس و کامبوج) در زیر پرچم ویتنام بودند. این افراد از سالها پیش با تشکیل حزب کمونیست مستقل کامبوج مخالفت می‌کردند و معتقد بودند که تشکیلات کمونیستهای کامبوج باید نقش برادر کوچک حزب ویتنام را داشته و از آن پیروی کند. آنها معتقد بودند که انقلاب در لائوس و کامبوج باید تابع انقلاب ویتنام باشد (رجوع شود به کتاب "جرا و چگونه ویتنام به یک کانون تجاوز سوسیال - امپریالیستی بدل شد؟" نوشته اتحادیه کمونیستهای آلمان غربی - ژانویه ۱۹۷۹، چاپ فارسی، صفحات ۱۵-۱۱).

بعد از مرگ هوشی مین این افراد به تدریج رهبری حزب و جنبش انقلابی ویتنام را در کنترل خودشان گرفتند و از آنجا که برای پیشبرد اهداف خود محتاج به یک پشتیبان مقتدر بودند، مشغول سازش با دار و دسته برزف شدند. وحدت نامقدس توسعه طلبان ویتنامی با سوسیال امپریالیستهای شوروی به تدریج منجر باین شد که ویتنام مبدل به چویدستی دار و دسته برزف - کاسیگین و وسیله پیشبرد مقاصد توسعه طلبانه آنها شود. رهبران ویتنام در های کشورشان را بروی مستشاران و جاسوسان شوروی باز گذاشتند و سوسیال امپریالیستهای نیز در عوض با ارسال سیل اسلحه به ویتنام، به تقویت هر چه بیشتر ارتش این کشور پرداختند.

وقتی ارتش آزادی بخش ویتنام در سال ۱۳۵۴ ارتش دست نشانده دولتی ویتنام جنوبی را متلاشی کرد و دست امپریالیستهای امریکائی از ویتنام کوتاه شد، سلاحهایی به ارزش چند میلیارد دلار به دست ارتش پیروزمند آزادی بخش افتاد. اما دولت ویتنام متحد که جندی بعد به رهبری توسعه طلبان ویتنام شمالی تشکیل گردید، این سلاحها را هم برای هدفهای آینده خود کافی نمی‌دانست. توسعه طلبان ویتنامی در فکر تشکیل "فدراسیون هند و چین" بودند و برای ایجاد این فدراسیون لازم بود که ارتش ویتنام دو کشور لائوس و کامبوج را اشغال نماید. باین منظور با وجود اینکه مردم ویتنام شدیداً خواستار پیشبرد امر ساختمان کشور بودند، رهبران ویتنام بیشتر نیروهای کشور را صرف توسعه هر چه بیشتر ارتش ویتنام نمودند. درموقع پیروزی انقلاب ویتنام، ارتش ویتنام دارای ۶۰۰ هزار سرباز بود. این تعداد در مدت نسبتاً کوتاهی به ۱/۵ میلیون نفر رسید و موج بزرگی از سلاحهای جنگی مختلف روسی به داخل ویتنام سرازیر شد. طولی نکشید که رهبران توسعه طلب ویتنام اعلام کردند که ارتش ویتنام سومین ارتش مقتدر جهان است. به کمک همین "سومین ارتش مقتدر جهان" و پشتیبانی سوسیال - امپریالیستهای شوروی بود که دست اندازیهایی توسعه طلبان ویتنامی به کشورهای همسایه آغاز شد.

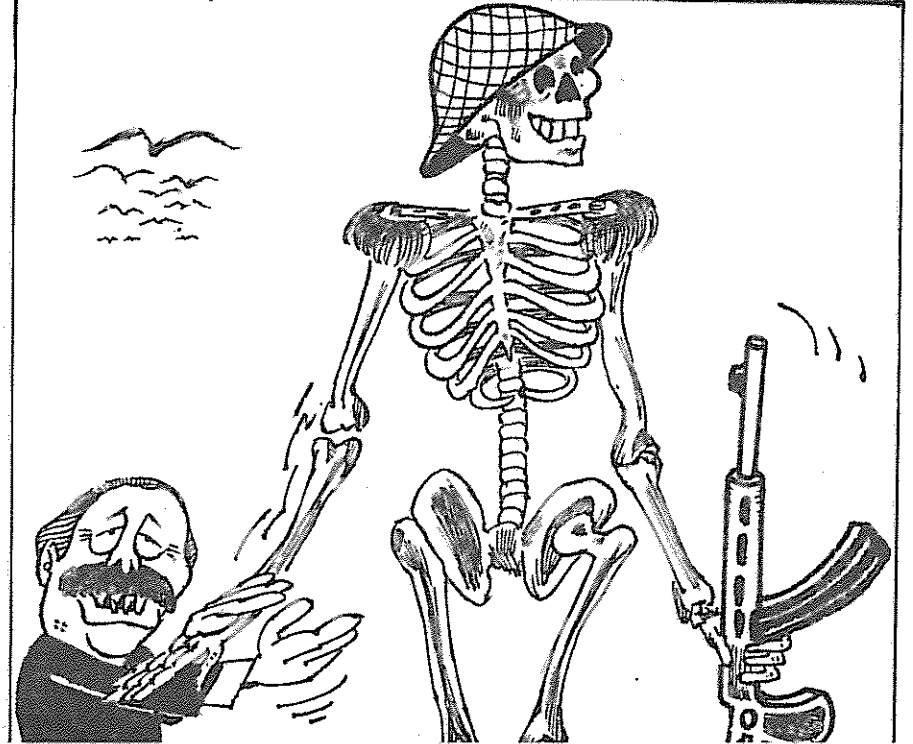
در سال ۱۳۵۴ ارتش ویتنام شش جزیره از جزایر "ناشا" را که متعلق به چین بود و جزیره "وی" را که متعلق به کامبوج بود اشغال کرد. در سال ۱۳۵۵ دولت ویتنام یک پیمان نظامی را به کشور لائوس تحمیل کرد و تحت عنوان "روابط ویژه" که طبق این معاهده برقرار شده بود، یک ارتش ۵۰ هزار نفری خود را وارد کشور کوچک لائوس کرد و در آنجا به طور دائم مستقر نمود. در شهریور ۱۳۵۴، اردیبهشت ۱۳۵۵ و شهریور ۱۳۵۵ دولت ویتنام دست به انجام کودتائی برای واژگون کردن دولت تازه استقلال یافته کامبوج زد که هر سه کودتا با شکست مواجه گردید.

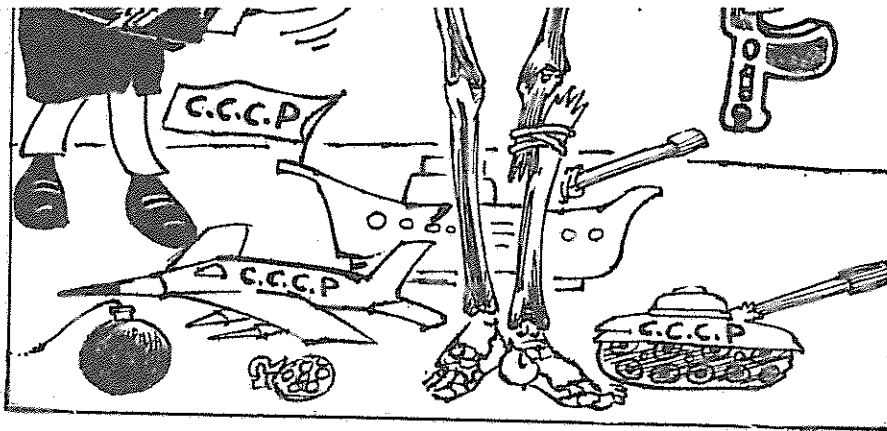
در آذر ماه ۱۳۵۵ چهار لشکر ویتنامی از جنوب و ۹ لشکر از شمال به مرزهای کامبوج سرازیر شدند. این نیروها توسط مستشاران روسی و مستشاران سایر کشور های رویونیستی وابسته به شوروی هدایت و رهبری می‌شدند. این تجاوز وسیع ارتش ویتنام در اثر مقاومت سرسختانه ارتش آزادی بخش و توده‌های وسیع خلق کامبوج مواجه با شکست گردید. دولت کامبوج در روز ۳۰ آذر ۱۳۵۵ روابط دیپلماتیک خود را با ویتنام قطع کرد.

از دی ماه ۱۳۵۵ دولت ویتنام زیر پرچم "تسریع سوسیالیستی کردن جامعه" حالت فوق العاده نظامی اعلام کرد و با سرعت هر چه بیشتری به توسعه نیروهای نظامی خود پرداخت. جوانان ویتنامی که تا این زمان بین سنین ۱۸ تا ۲۵ به زیر پرچم می‌رفتند حالا از ۱۶ تا ۲۵ سال به خدمت احضار شدند و مدت خدمت نظام هم از ۳ سال به ۵ سال افزایش یافت. همین

# روزی میلیونها تومان ضرر ذوب آهن روسی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سوسیال امپریالیستهای روسیه به دست و پا افتادند که قراردادهای زمان شاه را ادامه دهند ولی دولت در زمینه گازها سیاستی نسبتاً قاطع تا حدی دست‌ان جهانخواران را بست. اما ذوب آهن کماکان در اسارت این ابرقدرت است. بنا بر آماري که اخیراً "جلال الدین آشتیانی" مدیر عامل کارخانه ذوب آهن ایران ذکر کرده است کارخانه ذوب آهن روسی که در مقابل دادن گاز ایران به شوروی در اصفهان احداث شده سالانه ۲ میلیارد تومان کمک از سازمان میبیرد و تنها سالی ۲/۴ میلیارد تومان فروش دارد. ضمن اینکه قطعات یدکی کارخانه هر ساله مبلغ کلانی را به جیب روسها میریزد که خود رقم مهمی است. مثلاً امسال یک میلیارد تومان هزینه خرید این قطعات شد که در مجموع اگر متوسطاً رقم را در نظر بگیریم ذوب آهن روسی در اصفهان در حدود سالی ۴۰۰ میلیون





## بیست و پنجمین سالگرد انقلاب الجزایر را گرامی می‌داریم

ترمیم کشور متحمل مشقات فراوانی شدند. در ژوئیه ۱۹۶۲ فرانس دوم عمومی در فرانسه منجر به آتش بس گردید ولی " ارتش سری " فرانسه همچنان به اعمال تروریستی خود ادامه می‌داد تا سرانجام در اکتبر همان سال استقلال ملی کسب گردید و الجزایر پس از ۸ سال مبارزه خونین و پس از ۱۳۰ سال اسارت و بردگی با دادن حدود یک میلیون شهید با سری افراشته و قامتی خونین استقلال خود را به جهانیان اعلام داشت. همراه با استعمار فرانسه و دیگر شرکاء این امپریالیسم، روزیونیستهای خروشجفی نیز سعی نمودند بر اساس تزه‌های " مسالمت آمیز خود، مبارزه انقلابی مردم الجزیره را به سازش با امپریالیسم ترغیب نمایند. خروشجف همصدا بقیه در صفحه ۶

جنش خلق دلاور و تحت ستم الجزایر را بر علیه استعمار فرانسه پس از ۸ سال مبارزه خونین بالاخره در اکتبر سال ۱۹۶۲ به تاسیس مجلس موسسان به پیروزی رسید و دولت ملی خود را به رهبری بن بلا به جهانیان اعلام داشت.

قیام توده‌های مسلحانه از ماه اکتبر ۱۹۵۴ شروع شد و چهره جهانی بخود گرفت. استعمار فرانسه شهرها و دهات را با بمب ناپالم به آتش کشید. اما مبارزات مردم ارج تازه تری به خود گرفت، حتی کارگران الجزیره‌ای مقیم فرانسه نیز به مبارزات پیوستند و پیروزی مبارزات خلق الجزیره حتمی بود و متجاوزین در آخرین لحظه آن چنان خرابی بوجود آوردند که سالها پس از استقلال دولت و ملت الجزیره به خاطر

## اطلاعیه کمیته تدارک ایجاد حزب

از تلیه رفقا، دوستان و علاقه مندان دعوت می‌کنیم که در سرودن شعر و تنظیم آهنگ سرود حزب کمونیست ایران " شرکت نموده و با ارسال اشعار، تم‌های موزیک و یا پیشنهادات دیگر ما را یاری برسانند. برای کمک فکری چند خصوصیت مهم شعر و آهنگ سرود را به اطلاع می‌رسانیم:

- مضمون شعر باید رو به توده‌های وسیع خلق داشته باشد.
- شعر باید اصیل و ایرانی بوده و از انقلاب کنونی الهام گیرد.
- در شعر باید نقش تعیین کننده‌ی زحمتکشان بعنوان ستون فقرات انقلاب، اهمیت اتحاد بزرگ ملی و آینده‌ی جامعه‌ی سوسیالیستی و بی طبقه در آن بیان گردد.
- شعر باید حامل شور و شوق، قدرت و پیروزی و خیزش توده‌ها باشد.
- آهنگ‌های پیشنهادی لازم است اصیل، ملی بوده و استحکام و قدرت لازم را برای چنین سرودی داشته باشند.

کمیته تدارک ایجاد حزب کمونیست ایران

## یاد دکتر حسین فاطمی، نمونه درخشان ملی‌گرایی مترقی را گرامی می‌داریم

روز شنبه نوزدهم آبان، سالگرد شهادت دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه دکتر محمد مصدق و مبارز سر سخت ضد امپریالیست است. دکتر فاطمی، نمونه‌ی برجسته ملی‌گرایی مترقی بود که در جریان مبارزات ملی شدن نفت و مبارزه با امپریالیستهای انگلیس و آمریکا همچنان قاطع و آشتی ناپذیر باقی ماند و به خاطر پافشاری روی آرمانهای خود به دست جلا دان رژیم کودتا به شهادت رسید. دکتر فاطمی، نمونه‌ی قاطعیت انقلابی در ادامه انقلاب ضد امپریالیستی و مبارزه با لانه فساد یعنی دربار بهلوی و قدرتهای امپریالیستی بود که علیرغم توطئه‌های مختلفی که برای تجزیه جنش وجود داشت همچنان بر رهبری سیاسی دکتر مصدق تا آخرین لحظات تاکید داشت و هیچگاه راه خود را از راه رهبری جنش جدا نکرد.

مبارزات ضد امپریالیستی دکتر فاطمی و فشاری او روی حفظ استقلال ایران در مقابل توطئه‌های امپریالیسم، مشت محکمی است بر دهان یاوه گویان دار و دسته کمیته مرکزی که نقش نیروهای ملی‌گرای مترقی را نفی میکنند. یاد دکتر حسین فاطمی را گرامی می‌داریم و در ادامه پیروزمند انقلاب ضد امپریالیستی خلقهای میهنمان، روی اتحاد بزرگ سه نیروی اسلام مبارز، ملی‌گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی با فشاری می‌کنیم.

العاده نظامی اعلام کرد و با سرعت هر چه بیشتری به توسعه نیروهای نظامی خود پرداخت. جوانان ویتنامی که تا این زمان بین سنین ۱۸ تا ۲۵ به زیر پرچم می‌رفتند حالا از ۱۶ تا ۳۵ سال به خدمت احضار می‌شدند و مدت خدمت نظام هم از ۳ سال به ۵ سال افزایش یافت. همین موضوع اقتصاد ویتنام را که از نظر تامین مواد غذایی و مصرفی مردم ویتنام شدیداً در مضیقه افتاده بود بیش از همیشه وابسته به کمک‌های روسیه نمود ( رجوع شود به کتاب " کامبوجیا گورستان اشغالگران ویتنام "، چاپ فارسی صفحه ۱۱ ).

در اردیبهشت ۱۳۵۶، شهریور ۱۳۵۶ و در اردیبهشت ۱۳۵۷ ویتنام سه بار دیگر کوشید تا دولت کامبوج را که زیر بار استیلا طلبی ویتنام نمی‌رفت با کودتا سرنگون نماید. اما باز هم هر بار با شکست مواجه گردید.

بعد از همه این کوششها تجاوزگران شوروی و ویتنامی متوجه شدند که ساقط کردن دولت جمهوری دمکراتیک کامبوج باین آسانیه امکان پذیر نیست و احتیاج به برنامه گسترده‌تری دارد. برای انجام این کار توسعه طلبان ویتنام باز هم قدمهای جدیدی در جهت وابسته کردن خود به سوسیال امپریالیستهای روسیه برداشتند تا اینکه در ازای آن از پشتیبانی وسیعتری بر خوردار شوند. باین منظور در روز ۸ تیر ماه ۱۳۵۷ ویتنام وارد " شورای تعاون متقابل اقتصادی " شد و خود را مانند کشورهای اروپای شرقی در چنگال سیستم اقتصادی نو استعماری روسیه قرار داد ( رجوع شود به رنجبرهای شماره ۱۵، ۱۶ و ۱۷ ). در مرداد ماه ۱۳۵۷ دولت روسیه از طریق یک پل هوائی مقدار معتنا بهی از سلاحهای آخرین سیستم از جمله انواع مختلف موشک و هواپیماهای میگ ۱۹، ۲۱، و ۲۳ وارد ویتنام نمود. تعداد مستشاران نظامی شوروی در بقیه در صفحه ۷

## سر نوشت

## عبرت انگیز ژنرال جیاب

و قیاحانه تر است. ایشان پیشنهاد کردند که در بقیه در صفحه ۲

خبری بود در جراید از ملاقات ژنرال جیاب ( فرمانده کل قوای ارتش ویتنام ) با وزیر خارجه ایران در الجزایر. نکته بر جسته این ملاقات تلاش ژنرال ویتنامی برای قلب ماهیت انقلاب ایران و سپس انداختن آن روی خط سوسیال امپریالیستهای روسیه بود. چگونه؟

ژنرال ابتدا به قلب ماهیت و مضمون واقعی انقلاب اسلامی ایران پرداخته و آنرا انقلابی تنها ضد امریکائی معرفی می‌کند و سپس تاجر مآبانه می‌گوید که از انقلاب شما دفاع می‌کنیم شما هم از انقلاب ما دفاع کنید. آقای جیاب باید بدانند که خلق‌های ایران و نیروهای سیاسی آن از سالها پیش، زمانی که خلق ویتنام علیه امپریالیسم آمریکا مبارزه‌ای به حق می‌کرد، بدون هیچ گونه چشم داشت تاجر مآبانه‌ای و به عنوان ادای وظیفه انترناسیونالیستی خود دفاع کرد. اما حال که به علت ماهیت خط مشی منحرف رهبری ویتنام، انقلاب این کشور منحرف گشته و ویتنام به صورت ابزار توسعه طلبی امپریالیسم روسیه درآمده است. نیروهای واقعا راستین انقلابی ایران از خط مشی انقیاد طلبانه رهبری ویتنام نه تنها دفاع نمی‌کنند بلکه تجاوزات آن را علیه خلق کامبوج و شرکت رهبری ویتنام در توسعه طلبی امپریالیسم روسیه را محکوم می‌نمایند.

اما شگرد آخر جناب ژنرال از همه

## روسیها به ویتنام ۸ کشتی جنگی دیگر دادند

سوسیال امپریالیستهای روس به ویتنام ۸ کشتی جنگی دادند که ۲ تای آن مجهز به سکوهای پرتاب موشک میباشد. این خبر را روزنامه آیدن لیک ارگان حزب کارگران و دهقانان ترکیه بنقل از روزنامه ژاپنی "یومی یوری شی میرن" درج نموده است.

در این خبر آمده است که این کشتی‌ها بر مبنای قرار داد "دوستی" بین ویتنام و روسیه که در دسامبر سال گذشته منعقد گردیده بود، به ویتنام تحویل داده شده است. این قرارداد مشخص میکند که اگر بیکی از این دو کشور تهاجمی انجام دهد، دو کشور متقابلاً "بکمک یکدیگر برخوانند خواست".

این کشتی‌ها بطرف جنوب شرقی حرکت نموده و از راه دریائی میان ژاپن و کره گذشته و در یک بندر ویتنامی لنگر انداخته اند.